

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۰۲۰
جمعه ۲۵ فروردین ۱۴۰۲، ۱۴ آپریل ۲۰۲۳

معمای حملات شیمیائی

کاظم نیکخواه

باورنکردنی‌ترین رویداد در ایران مسموم کردن گسترده کودکان آن‌هم به شیوه مسمومیت شیمیائی است. چنین جنایت شنیع و در عین حال عجیبی بدون هیچ تردیدی در تاریخ بشری سابقه نداشته است. در میان مردم هیچکس تردیدی ندارد که این کار حکومت یا باندهایی از حکومت است. چرا که گستره جغرافیائی و زمانی آن برای فعالیت یک باند و محفل و یا افراد و تک نفرها در خارج از حکومت بسیار زیاد است. در ده‌ها شهر به فاصله چهار ماه حملات صورت گرفته است و ادامه دارد. امکان سازماندهی چنین ابعاد وسیعی از حملات بدون افشا و دستگیر شدن توسط نیروهای حکومتی، غیرممکن است. در بسیاری موارد حملات همزمان صورت گرفته و بیانگر این است که حمله‌کنندگان طیف وسیعی را تشکیل می‌دهند و در شهرهای مختلف حضور دارند. همه این‌ها به این معناست که حملات نمی‌تواند کار فرد و یا گروهی از خارج از حکومت باشد.

بنابراین روشن است که هرچه هست زیر سر حکومت است و حملات روزهای اخیر نشان می‌دهد که می‌خواهند به این اقدامات ادامه دهند. سوال این است که چرا؟ چرا حکومت به چنین تاکتیک کثیف و ضد بشری‌ای دست می‌زند که نتیجه‌اش جز دامن زدن به خشم و نفرت مردم چیز دیگری نیست؟ گفته می‌شود که حکومت می‌خواهد فضای ناامنی و رعب ایجاد کند تا اعتراضات را عقب براند. اما این حملات درست نتیجه عکس داده است. مردم خشمگین‌تر و متعرض‌تر علیه حکومت دارند شعار می‌دهند و اعتصاب و تجمع می‌کنند. اینکه کودکان معصوم هدف قرار گرفته‌اند سمپاتی بیشتری را نسبت به قربانیان و خشم و انزجار بیشتری را نسبت به حکومت دامن زده است. بعید نیست که خود این اعتراضات به تظاهرات و به میدان آمدن بسیار گسترده و هزاران نفره مردم

ادامه در صفحه ۲



مواضع اخیر اپوزیسیون راست و جایگاه آن در انقلاب جاری

حمید تقوایی

صفحه ۳

فراخوان به روز سراسری بی‌حجابی، علیه حجاب اجباری!

شهلا دانشفر

صفحه ۵

نشست اول لاهه در مورد انقلاب زن زندگی آزادی

گفتگو با پریسا پوینده یکی از سازمان دهندگان این نشست

صفحه ۶

در مورد انقلاب زن زندگی آزادی

سخنان شهلا دانشفر در نشست لاهه

صفحه ۷

”معضل“ بی‌حجابی و گاوگیجه رژیم

میلاذ رابعی

صفحه ۹

بحران و آشتی عربستان و جمهوری اسلامی

محمد شکوهی

صفحه ۱۰

اطلاعیهای حزب در هفته اخیر

صفحه ۱۱

معمای حملات شیمیایی ادامه از صفحه ۱

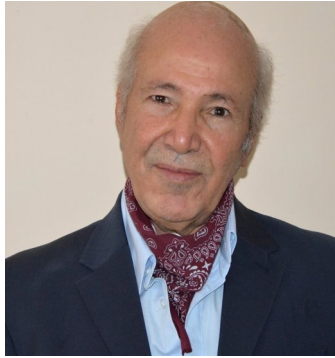
بیانجامد.

هرچه هست پشت پرده این مسموم سازی‌ها که در واقع باید آن‌را تروریسم شیمیایی حکومتی نام نهاد یک معماست. قطعاً بعدها اهداف و اعمالان حملات شیمیایی به مدارس برای همه دقیق‌تر روشن خواهد شد.

در مقابل این جنایت ما مردم باید متحد و یکپارچه بایستیم و مقابله با آن و دفاع از کودکان را به یک کارزار متحد مردمی تبدیل کنیم.

معلمان و خانواده‌های دانش‌آموزان نقش مهمی در این رابطه دارند و می‌توانند نقش محوری در این کارزار ایفا کنند و بخش‌های

وسیع‌تری از مردم را به این کارزار بکشانند. اعتصاب سراسری معلمان، تعطیل مدارس، تجمعات مردمی در مقابل مدارس و مراکز شهرها با خواست معرفی آمرین و عاملین این جنایات، اینها اقدامات فوری در مقابل تروریسم شیمیایی حکومت



است. جامعه را می‌توانیم بطور همه جانبه و وسیع به حرکت در آوریم. جمهوری اسلامی را می‌توانیم بخاطر

این جنایت فجع به زانو در آوریم. رهبران معلمان و جمع‌های محلات و تشکل‌های مختلف باید بسیار فعال‌تر در این رابطه به میدان بیایند. تمام حسابگری‌ها را باید کنار گذاشت و موانع را کنار زد و بدون هیچ تامل و تردیدی جنبش دفاع از

کودکان و کل جامعه را به جریان انداخت. این یک جنایت ضد انسانی و بسیار مشمئزکننده است. همه مردم عصبانی و خشمگین هستند. مدارس دیگر امن نیستند. باید به نجات جان کودکان شتافت. این خشم را باید به جنبشی خیابانی و سراسری علیه حکومت تبدیل کرد و حاکمین را از این جنایت پشیمان کرد. زنده باد خیزش مردمی علیه توحش ضد کودکان!*

مواضع اخیر اپوزیسیون راست و جایگاه آن در انقلاب جاری

عدالتخواهانه، "فراموش نمی‌کنیم" از نظر سیاسی و اجتماعی هم اهمیت دارد. این شعار یعنی اجازه نمی‌دهیم هیچ دولت و نهاد و شخصیتی به هر بهانه‌ای از پیگرد و محاکمه جنایتکاران جلوگیری کند.

با توجه به همه این نکات باید گفت شعار "نه می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم" شعاری مترقی، برحق و کاملاً انسانی است.

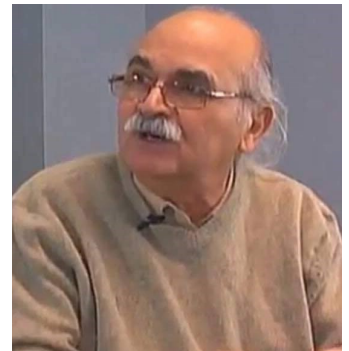
این نکات علت مخالفت آقای پهلوی و هوادارانش با این شعار را نیز روشن می‌کند. مخالفت با انتقام‌جوئی و نفرت‌پراکنی و غیره توجیه و ظاهر قضیه است. به نظر من دلیل واقعی این است که ایشان می‌خواهد بخشی از دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی را حفظ کند. ایشان صراحتاً بارها بر ضرورت حفظ سپاه پاسداران تأکید کرده است. در منشور ۶ نفره هم اعلام کرده‌اند که بخشی از سپاه پاسداران، به قول خودشان متخصصین سپاه پاسداران، باید در ارتش ادغام شود. این مخالفت با "نمی‌بخشیم" در عین حال چراغ سبزی به جمهوری

گفت مثلاً ۴۰ سال از کشتار دهه ۶۰ گذشته و دیگر نباید پیگیری کرد. و یا جنایت‌های دوره پهلوی دیگر مهم نیست چون ۵۰-۶۰ سال قبل اتفاق افتاده و آن رژیم سرنگون شده و غیره.

"فراموش نمی‌کنیم" مهم است بخاطر اینکه در تاریخ بارها اتفاق افتاده که بعد از سرنگونی دیکتاتورها و حکومت‌های سرکوبگر و جنایتکار، هم طبقه‌ای‌هایشان، مقامات و دولت‌های حامیشان در کشورهای دیگر، به همین بهانه‌ها که گذشته‌ها گذشته و یا به خاطر اینکه که فلان دیکتاتور سالخورده است و غیره با محکمه آنها مخالفت کرده‌اند. آخرین نمونه مساله پینوشه دیکتاتور برکنار شده شیلی بود که همه مردم شیلی و افکار عمومی و نیروهای مترقی دنیا خواهان محاکمه و مجازات او بودند ولی مارگارت تاچر، نخست‌وزیر وقت انگلیس و چند دولت دیگر به این بهانه که ایشان دیگر سنی از او گذشته در برابر خواست بر حق قربانیان جنایت پینوشه مقاومت می‌کردند. از این رو باید گفت علاوه بر جنبه قضایی و

می‌بخشیم نه فراموش می‌کنیم" شعار یک جنبش بسیار گسترده و قوی در ایران یعنی جنبش دادخواهی است. مدت‌هاست خانواده‌های قربانیان جمهوری اسلامی و بسیاری از فعالین جنبش دادخواهی این شعار را مطرح میکنند. منظور هم روشن است. منظور از "نمی‌بخشیم" این است که تمام مقامات و مسئولانی که در جنایات حکومت، نه تنها در طی انقلاب جاری بلکه در چهل سال حکومت ننگین جمهوری اسلامی دست داشته‌اند باید محاکمه شوند. محاکمه در یک دادگاه عادلانه و علنی. خیلی از همین خانواده‌های دادخواه مخالف مجازات اعدام هستند، اما مخالف انتقام‌جوئی هستند، اما می‌خواهند عدالت اجرا شود. می‌خواهند این جانیمان علناً محاکمه بشوند تا از تکرار این فجایع جلوگیری بشود و کسی جرات نکند دست به چنین جنایاتی بزند.

جزء دیگر این شعار، یعنی "فراموش نمی‌کنیم"، هم به این معنی است که این جنایات شامل مرور زمان نمی‌شود. نمی‌شود



تدوین شده بر مبنای مصاحبه با کانال جدید

حسن صالحی: در برنامه این هفته پاسخ می‌خواهیم با مرور برخی مواضع اخیر نیروهای اپوزیسیون راست و سلطنت‌طلب، به جایگاه‌شان در جریان انقلاب جاری پردازیم و روشن کنیم که این نیروها چه اهدافی را دنبال میکنند.

حمید تقوایی، اخیراً رضا پهلوی با شعار "نه می‌بخشیم، نه فراموش می‌کنیم" مخالفت کرده است و در مصاحبه‌ای گفته بخصوص "نمی‌بخشیم" انتقام‌جویانه است و به نفرت دامن می‌زند و باید به کسانی که جنایتی هم مرتکب شده‌اند فرصتی داد. نظر شما در این مورد چیست؟

حمید تقوایی: شعار "نه

مواضع اخیر اپوزیسیون راست و جایگاه آن در انقلاب جاری ادامه از صفحه ۲

اسلامی و "بزرگان لشکری و کشوری" است که آقای پهلوی بارها پیامهای دوستانه برایشان فرستاده است.

جنبه دیگر این "بخشش ملوکانه" به فراموشی سپردن جنایات دوران پهلوی است. در دل انقلاب جاری، بخصوص بعد از رونمایی و حمایت از پرویز ثابتی سرجلاد ساواک از جانب سلطنت طلبان، گفتمان جنایات دوره پهلوی در مدیای اجتماعی و در جامعه اشاعه یافت. این بحث مطرح شد که دادخواهی فقط به دهه هشتادی‌ها و هفتادی‌ها محدود نمیشود بلکه نسل دهه چهل و پنجاه هم دادخواه است. دیکتاتوری و سرکوب و جنایت با جمهوری اسلامی شروع نشده. اعدام مخالفین سیاسی، شکنجه و سرکوب و تیرباران، حتی تیرباران مخفیانه زندانیان سیاسی مثل بیژن جزنی و دوستانش، اینها همه سابقه دارد. خانواده‌ها و هم نسلهای این قربانیان و کل جامعه نباید این جنایات را فراموش کنند چون نباید اجازه داد این بساط سرکوب دوباره تحت نام و ظاهر دیگری ادامه پیدا کند. این هم جنبه و علت دیگر بخشش طلبی سلطنت طلبها است. اینان در واقع نگران تسری این شعار به دوره قبل از جمهوری اسلامی هستند. نه تنها نمیخواهند امثال پرویز ثابتی محاکمه شوند بلکه این خیال را در سر دارند که به کمک همین نوع جانین و با جلب حمایت بخشهایی از "سران لشکری و کشوری" جمهوری اسلامی، بساط سلطنت را احیا کنند.

باید با صدای بلند اعلام کرد که هیچ جنایتی شامل مرور زمان نمیشود. حال اگر به دلیل کبر سن یا هر علت دیگری در مجازات یک متهم باید تخفیفی

داده شود این امری است که دادگاه و قاضی مربوطه تصمیم خواهد گرفت. از پیش نمیتوان حکم برائت هیچ قاتلی را صادر کرد. مهم اینست که هم مقامات دست‌اندرکار جنایات رژیم‌های دیکتاتوری باید دادگاهی و محاکمه بشوند.

یکی از فواید و یکی از نتایج انسانی محاکمه عادلانه این است که پرونده جنایات رژیم‌های سرکوبگر را شفاف و علنی در برابر جامعه قرار میدهد، مردم را آگاه و مطلع می‌کند و اجازه نمی‌دهد چنین جنایت‌هایی تکرار شود، فاش شدن، مطلع کردن، علنی کردن، آگاه کردن مردم از هر جنایتی موثرترین راه پیشگیری آنست.

به همین خاطر ما تاکید داریم که باید همه جنایتکاران در تاریخ معاصر ایران که هنوز زنده اند، همه کسانی که در جنایت‌های دو دیکتاتوری سلطنتی و اسلامی دست داشته اند، در دادگاههای علنی و عادلانه محاکمه شوند.

آقای پهلوی هم به این خاطر که میخواهد بخششی از نیروهای سرکوب جمهوری اسلامی را حفظ کند و با بخشی از این رژیم بسازد و هم به این دلیل که نمیخواهد پرونده این جنایت‌ها به دوره سلطنت تسری پیدا کند، با شعار "نه می‌بخشیم نه فراموش میکنیم" مخالف است.

حسن صالحی: رضا پهلوی ادعا میکند با نفرت پراکنی مخالف است اما همسر ایشان خانم یاسمین پهلوی چندی پیش در توییتهای شعار مرگ بر سه فاسد ملا و چپ و مجاهد را مطرح کردند. یعنی برای مجاهدین و نیروهای چپ آرزوی مرگ کردند. اخیراً هم در عکس‌العمل به صحبت‌های آقای اسماعیلیون در مورد دادخواهی خانواده‌های مجاهدین خانم یاسمین پهلوی هشدار داد که نباید از آنها حمایت کرد و باید به دادخواهی قربانیان در انقلاب مهسا بسنده کنیم.

آیا از نظر شما اینها به نوعی به معنی تأیید کشتار کمونیست‌ها بوسیله جمهوری اسلامی نیست؟

حمید تقوائی: به نکته جالبی اشاره کردید. اینها میگویند که باید بخشید و چه در دولت جمهوری اسلامی و چه بخصوص در دوره شاه نباید جنایات مسئولین را پیگیری کرد و انتقام گرفت و نفرت پراکنی کرد و غیره. اما وقتی نوبت به قربانیان این رژیم‌ها میرسد دیگر از بخشش و مخالفت با نفرت پراکنی و غیره خبری نیست! بلکه برعکس، خودشان از حالا مشغول نفرت پراکنی و تیز کردن تیغها علیه مخالفین دیکتاتوری سلطنتی هستند. بخشش برای بالائی‌ها و سرکوب برای پائینی‌ها. این جوهر موضع‌گیریهای نیروهای سلطنت‌طلب است.

اینها از همین اکنون سازمان مجاهدین را تروریست اعلام کرده‌اند، نیروهای اپوزیسیون کرد را تجزیه طلب خوانده‌اند و خط قرمز تمامیت‌اراضی را برخشان کشیده‌اند، برای چپ‌ها آرزوی مرگ کرده‌اند، انتقادشان به ساواک اینست که به اندازه کافی کمونیست‌ها و مخالفین دیکتاتوری شاه را نکشته است، و آنوقت از بخشش دم میزنند! بخشی از سلطنت طلبان پیگیر حتی با لغو مجازات اعدام که در منشور ۶ نفره اعلام شده مخالفت میکنند. میگویند این شعار چپ‌ها است و از جمله حزب ما را "صاحب" این شعار میدانند و جمع شش نفره را متهم میکنند که از چپ‌ها پیروی کرده‌اید. مسئولین حکومتی را می‌بخشند اما اعدام را برای نیروهای مخالف اعدام لازم میدانند! وقتی نوبت به کمونیست‌ها و مجاهدین و کلا نیروهای اپوزیسیون چه در دوره شاه چه امروز میرسد اینها شمشیر را از رو می‌بندند.

این نوع گفتمان‌ها نشان میدهد بخشش طلبی رضا پهلوی و پیروانش از سر انسان دوستی و مخالفت با خشونت و انتقام‌جویی و غیره نیست. بلکه موضعی کاملاً سیاسی است برای آب تپه‌پیر ریختن بر سر جنایتکاران حاکم و کوبیدن نیروهای چپ و رادیکال مخالف دیکتاتوری‌های اسلامی و سلطنتی و یا با هر عنوان و ظاهر

دیگری.

حسن صالحی: تا آنجایی که به مجاهدین بر می‌گردد میدانیم که گروه ۶ نفره با مجاهدین مخالفند و آنها را تروریست میدانند. میگویند مجاهد در جنگ ایران و عراق علیه سربازان ایرانی جنگیده است. می‌خواستم در این مورد نظر شما را بدانم. آیا در چنین مواردی باید در مقابل این حملات از مجاهدین دفاع کرد؟

حمید تقوائی: بحث بر سر تایید مواضع مجاهدین نیست. ما انتقادات زیادی از سیاست‌ها و عملکرد مجاهدین داریم - که البته با مخالفت‌های نیروهای راست کاملاً متفاوت است. ولی سیاست‌های سازمان مجاهدین به جنایات حکومت علیه آنها، از جمله اینکه بعد از جنگ با عراق هزاران نفر زندانی مجاهد را اعدام کرد، ربطی ندارد. موضعی که، عیناً مانند جمهوری اسلامی، یک نیروی اپوزیسیون را تروریست اعلام کند و برایش خط و نشان بکشد و بگوید در فردای ایران جایی ندارد، موضعی کاملاً ارتجاعی، و مانند مخالفت با شعار "نه می‌بخشیم نه فراموش میکنیم"، تلاشی است برای حفظ سیستم دیکتاتوری. این نوع موضع‌گیری‌ها یعنی در فردای سرنگونی باید نیروهایی از اپوزیسیون را تحت پیگرد قرار داد و دوباره بساط بگیر و ببند و سرکوب مخالفین را به راه انداخت. اما موضوع تنها به محدود به مجاهدین محدود نمیشود. در منشور دیگری از جانب ملی‌گرایان که اخیراً در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده حزب دمکرات و کومله هم تروریست معرفی شده‌اند. گفته شده نباید در دولت آینده نقش داشته باشند. این مواضع حتی با ابتدائی‌ترین موازین دموکراسی مورد ادعای همین نیروها آشکارا در تناقض است.

ما مدافع آزادی بی قید و شرط فعالیت سیاسی همه احزاب و نیروها هستیم مستقل از هر نقدی که ممکن است بر مواضع و عملکردشان داشته باشیم. باید مجزا از

مواضع اخیر اپوزیسیون راست و جایگاه آن در انقلاب جاری
ادامه از صفحه ۳

ارزیابی از مواضع هر نیروی سیاسی حق موجودیت و فعالیت آنرا به رسمیت شناخت. بخصوص در جامعه ای نظیر ایران که همیشه حکومت‌های دیکتاتور مخالفین را به بهانه های مختلف - و از جمله و بخصوص بنام منافع ملی - سرکوب کرده‌اند تعهد به این اصل بسیار اساسی و حیاتی است. همه احزاب و سازمانها و نهادهای سیاسی و مدنی و صنفی، باید حق داشته باشند آزادانه فعالیت کنند. (تنها استثنا احزاب و نیروهایی هستند که در حکومت دست داشته و در جنایات جمهوری اسلامی شریک بوده‌اند که در این صورت باید به جرم جنایی، و نه سیاسی، محاکمه بشوند).

احزاب و سازمان‌هایی زیادی بعد از سرنگونی شکل خواهند گرفت، حتی ممکن است سازمانهای مذهبی تازه ای ایجاد شوند. ابتدائی ترین اصول دموکراسی و آزادی حکم میکند که حق فعالیت همه این نیروها را به رسمیت بشناسیم و از همین امروز پایبندی خود به این اصل را اعلام کنیم. هر نیرویی که در جنایت های جمهوری اسلامی شریک نیست، حق دارد آزادانه فعالیت کند.

در این میان اتهاماتی که نیروهای راست به مجاهدین و نیروهای اپوزیسیون در کردستان میزنند از خود جرم‌های ادعائی اینان بدتر است! اینها هر نیرویی که با جنگ ایران و عراق مخالف بوده است و یا علیه "سربازان ایرانی" جمهوری اسلامی از جمله در کردستان جنگیده است را مجرم و خائن به وطن میدانند. سربازان و پاسداران خاک کردستان را به توبه کشیدند، هزاران نفر را کشتند و آواره کردند، اما از نظر اپوزیسیون راست اینها نیروهای ملی - میهنی هستند و مخالفینشان تروریست! سلطنت طلبها هرکسی که با جمهوری اسلامی مبارزه مسلحانه کرده است را، درست مانند خود رژیم، تروریست میدانند.

جمهوری اسلامی در سایه جنگ با عراق مردم کردستان، که هیچگاه رژیم تازه را نپذیرفته بودند، و دانشجویان و کارگران و زنان که خواهان تحقق خواستهای انقلابی خود بودند را به خاک و خون کشید اما از نظر نیروهای اپوزیسیون راست مخالفت با جنگ ایران و عراق گناهی نابخشودنی است! رضا پهلوی خود بارها اعلام کرده است که آرزو داشته در رکاب جمهوری اسلامی با عراقی‌ها بجنگد.

مجموعه این مواضع کاملا ارتجاعی و کاملا ناسیونالیستی و فاشیستی است. به نظر من از این نقطه نظر مواضع نیروهای راست با مواضع جمهوری اسلامی علیه حزب دموکرات و سازمان مجاهدین و کمونیست‌ها تفاوتی ندارد.

حسن صالحی: اخیرا بحث هایی در میان جمع شش نفره مطرح شده است. رضا پهلوی میگوید اسامی را برای پیوستن به این جمع پیشنهاد کرده که بقیه مخالف بوده‌اند و باصطلاح اجماع نبوده. ایشان گفته ولی من در هر حال به حمایت از همه گروه ها و نهادهای طرفدار دموکراسی و تمامیت ارضی ادامه میدهم. ظاهرا این جمع از جنبه های مختلف تحت فشار است. نیروهای افراطی سلطنت طلب رضا پهلوی را تحت فشار گذاشته‌اند که چرا مثلا تمامیت ارضی صریحا در منشور نیامده؟ چرا از آیکون پرچم استفاده نشده؟ چرا فرض کنید صراحتا در مورد مجاهدین موضع نگرفته‌اید و یا با تجزیه طلبها همراه شده‌اید و غیره. این تحولات را چطور می‌بینید؟ اتوبوسی که قرار بود به مقصد برسد به نظر میرسد که الان در نیمه راه پنچر شده است.

حمید تقوائی: من همان ابتدا درباره جمع جرج تاون و منشورشان در یادداشت کوتاهی نوشتم اتوبوسی به ته دره! الان مدتهاست این اتوبوس سقوط کرده است. از فعالیت مشترک آن جمع شش نفره چیزی باقی نمانده. قبل از این متاخر ترین تحولات که

اشاره کردید بر سر اضافه شدن عده ای به جمعشان به اجماع نرسیده‌اند، این جمع عملا از هم پاشیده بود. همانطور که بالاتر اشاره کردم اصلا بحث سر مجاهدین از اینجا شروع شد که حامد اسماعیلیون در سخنرانی ای از خانواده های مجاهدین بعنوان دادخواه اسم برد و این موضوع مورد اعتراض یاسمین پهلوی قرار گرفت. یا شعار "نه می‌بخشیم نه فراموش میکنیم" یک شعار کلیدی خانواده جانباختگان پرواز هوایمی اوکراینی از جمله حامد اسماعیلیون است. مخالفت رضا پهلوی با این شعار مخالفت علنی او با حامد اسماعیلیون و جنبش خانواده‌های قربانیان سقوط هوایمی و کل جنبش دادخواهی است. به این ترتیب جمع ۶ نفره در مقابل هم قرار گرفته‌اند. ممکن است از نظر فرمال هنوز کنار هم بنشینند ولی از نظر واقعی و عملی زندگی سیاسی این جمع پایان رسیده. الان هر کدامشان یک سازی میزند. البته از ابتدا هم معلوم بود که حول منشور کذائی اعلام شده این جمع بجائی نمیرسد. حتی اگر از بیرون هم تحت فشار نبودند نفس این اعلام کردند نمیتوانست اینها را دور هم نگاه دارد.

اختلافات و مواضع ضد و نقیض اخیر را باید پایان پروژه به اصطلاح جرج تاون دانست. این پروژه با شکست کامل مواجه شده است. درست مانند دیگر پروژه های آقای پهلوی از ققنوس تا طرح وکالت و غیره. این هم پرونده‌اش بسته میشود و می‌رود کنار دست پروژه‌های شکست خورده قبلی سلطنت طلبان.

حسن صالحی: رابطه موضوعی که مرور کردیم با خیابان و انقلاب جاری چیست؟

حمید تقوائی: این سؤال مهمی است چون معمولا در نقد مواضع راست گفته میشود که اینها تجربه سیاسی ندارند، رضا پهلوی اشتباه کرده، پایگاه خودش را بحساب نیاورده یا بد ارزیابی کرده و غیره. به نظر من اینها خیلی سطحی است. آقای رضا پهلوی میدانند

چکار میکند.

بینید نیروهای راست حتی بخشی از جمهوریخواهان و ملی گرایان نظیر کسانی که اخیرا "مشور ملی گرایان ایران" را منتشر کرده‌اند اهداف و استراتژی واحدی را دنبال میکنند، هیچ کدام به خاطر اشتباهات یا ارزیابی های متفاوت یا کم تجربگی و غیره نیست که چنین مواضعی بگیرند. منفعت جنبش و طبقه ای که نمایندگی میکنند اینطور ایجاب میکند.

نیروهای اپوزیسیون راست و مشخصا سلطنت طلبها و ملی گرایان و حتی بخشی از جمهوریخواهان تلاش میکنند که با حداقل تغییرات این انقلاب از سر بگذرانند. و دوباره ماشین دولتی از جمله نیروهای سرکوبگر سپاه پاسداران و بوروکراسی و مقامات مافوق مردم به قول خودشان تکنوکرات ها و "کارآفرینان"، که اسم دیگری برای صاحبان سرمایه است، را در راس امور قرار بدهند. اینها میخواهند دولت مافوق مردم و بالای سر مردم، حکومت یک درصدی‌های مفتخور، حفظ بشود. به همین خاطر تلاش میکنند انقلاب را تحریف کنند، دندانها را بکشند و آنرا تبدیل کنند به جایگاهی های مقامات و بعد بگویند خب تمام شد، جمهوری اسلامی رفت، بروید به خانه هایتان و کار را بسپارید به ما متخصصین و کارآفرینان و شاهزاده شان! این استراتژی نیروهای راست است. همه این موضع گیریهای که بحث کردیم، از تروریست خواندن نیروهایی که با جمهوری اسلامی مسلحانه جنگیده‌اند تا مخالفت با شعار "نه می‌بخشیم نه فراموش میکنیم" و تاکید بر خط قرمز تمامیت ارضی و ضدیت با کمونیست‌ها و تاکید بر انقلاب ملی و وحدت ملی و امنیت ملی و غیره همه نتایج این استراتژی گذار با حداقل تغییرات است. تلاش میکنند هرچه بیشتر دست و پای انقلاب را ببرند و هرس اش کنند، در چارچوب ملی و ملیت پرستی و تاریخ پرستی و خاک پرستی تحریفش کنند بلکه بتوانند ماشین دولتی

مواضع اخیر اپوزیسیون راست و جایگاه آن در انقلاب جاری
ادامه از صفحه ۴

را حفظ کند.

میدانید که اصولاً ارضا پهلوی و کلا نیروهای راست نه تنها از انقلاب به هیچ وجه دل خوشی ندارند بلکه آنرا هرج و مرج و خشونت می دانند. این طرح هایی که به اصطلاح برای دوره گذار می آورند این خاطر نیست که میخواهند در این دوره انقلاب به خواست‌هایش برسد. برعکس می خواهند در آن دوره که جمهوری اسلامی رفته و هنوز دولت بعدی ثبات پیدا نکرده هرچه می توانند از سیستم موجود حفظ کنند، ترمیم کنند، احیا کنند و باز به حکومتی بالای سر مردم و مافوق مردم شکل بدهند. تمام داستان اینست. اشتباهی در کار نیست، منافعشان چنین اقتضا میکند.

حسن صالحی: آخرین سوال من

این است که در قبال این نیروهای راست چه وظیفه ای در مقابل نیروهای چپ نظیر حزب کمونیست کارگری قرار دارد؟

حمید تقوایی: من طبعاً از وظایف حزب خودمان میتوانم صحبت کنم و امیدوار باشم که بقیه هم همین خط را دنبال کنند.

وظیفه ای که ما برای خودمان قائل هستیم این است که نشان بدهیم چطور نیروهای راست در مبارزه علیه جمهوری اسلامی سنگ اندازی و مانع تراشی می کنند. بحث بر سر این نیست که گویا دو استراتژی برای خلاصی از شر جمهوری اسلامی وجود دارد. یکی استراتژی چپ که میخواهد هر نوع دیکتاتوری، ماشین حکومتی مافوق مردم، کنار زده بشود و خود مردم، شوراهای مردم، قدرت را در دست بگیرند و دیگری استراتژی راست که خواهان حفظ قدرت و ماشین حکومتی یک درصدی‌ها است. این دومی استراتژی شکست است.

یعنی اختلاف بر سر راههای مختلف سرنگونی جمهوری اسلامی نیست بلکه بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی است. تحریف انقلاب حاضر به حرکتی ملی میهنی تنها میتواند به تثبیت جمهوری اسلامی منجر شود. یعنی اگر فرض کنیم خطی که رضا پهلوی نمایندگی می کند عمومیت پیدا کند و دست بالا پیدا کند، انقلاب با شکست مواجه شده و جمهوری اسلامی تثبیت خواهد شد. این حقیقت را باید به جامعه گفت.

این را هم بگویم که به طور عینی و واقعی استراتژی و کل دکتین و سیستم ارزشی راست در جامعه جایگاهی ندارد. انقلاب زن زندگی آزادی خیلی شفاف تر و روشن تر رادیکال تر از اینها اهداف خودش می‌شناسد که اجازه بدهد نیروئی آنرا در قالب ملی میهنی مسخ و تحریف کند. نفس شکل گیری این انقلاب یعنی پاسخ مثبت جامعه به

خط و سیاست رادیکالی که همواره حزب ما پرچم‌دارش بوده است. از مبارزه پیگیر علیه حجاب و اسلام سیاسی تا تاکید بر زنانه بودن انقلاب و حتی نام "انقلاب زنانه" که امروز جهانی شده است، جزئی از سابقه مبارزاتی حزب ما است. جامعه هر روز چپ تر و رادیکال تر شده و در حقیقت روند اوضاع به نفع سیاستها و استراتژی ما کمونیستها دارد حرکت میکند. هدف ما بر متن این شرایط مساعد تقویت و تعمیق و گسترش هر چه بیشتر انقلاب جاری و سرنگونی همه جانبه و تمام و کمال جمهوری اسلامی است و از این رو موظفیم هر نیرویی که در این راه مانع ایجاد میکند را پیگیرانه نقد و افشا و منزوی کنیم.

۱۳ آوریل ۲۰۲۳

فراخوان به روز سراسری بی حجابی، علیه حجاب اجباری!

نیست. بلکه میگویند بیحجابی جرم نیست، تخلف است و محکومیت حبس ندارد و بنا بر خبرها اگر زنی بیحجاب یا بد حجاب دستگیر شود، ۷۰۰ هزار تومان جریمه میشود. با این کار دکانی باز کرده و میکوشند بدرجه ای بر فضا کنترل داشته باشند. اما مردم کوتاه نمی آیند. یک موضوع محوری انقلاب دفاع از حقوق زن است. انقلابی که با قتل مهسا امینی شعله ور شد و در همان روزهای آغازینش حجاب به مشابه نماد حکومتی در میان رقص و شادی مردم به آتش کشیده شد. مردم عزم خود را برای جارو کردن کل دم و دستگاه این حکومت با کل قوانین ارتجاعی اسلامی اش جزم کرده اند. جمهوری اسلامی با کل قوانین ارتجاعی اسلامی ضد زن و بساط آپارتاید جنسیتی اش باید گورش را گم کند و برود.

مندرج در ژورنال شماره ۳۹۳

خیابانها بیاییم و این روز را به روزی تاریخی در پیشروی انقلاب زن، زندگی، آزادی تبدیل کنیم. دو ماه قبل از شروع انقلاب، عباس محمدحسینی، رئیس سازمان عقیدتی سیاسی ارتش، گفت: حجاب خاکرین اول ماست اگر سقوط کند، بقیه خاکریزها از دست میرود. اکنون خاکرین اول را مردم تصرف کرده اند. حکومت از ترس از دست رفتن دیگر خاکرین‌ها به هراس افتاده و میکوشد تا گوشه ای از این سنگر فتح شده را پس بگیرد. زیر فشار انقلاب آنقدر عقب نشسته اند که حتی به "حجاب شل" هم رضایت داده و دیگر بحثشان بر سر صدور احکام زندان



شهلا دانشفر

روز ۲۶ فروردین شماری از تشکل‌ها، گروه‌ها و جمع‌های دانشجویی در اعتراض به طرح سرکوب‌گرانه حجاب رژیم تحت عنوان طرح "تذکر لسانی"، فراخوان به بی حجابی سراسری داده اند. اعتراضی در ادامه انقلاب زن، زندگی، آزادی که کل بساط آپارتاید جنسی حاکم را به چالش میکشند. فراخوان دهندگان به اعتراض در این روز عبارتند از: تشکل دانشجویان پیشرو، نهاد دانشجویان آزادیخواه دانشگاه خوارزمی، نهاد آزادیخواهان دانشگاه تهران شمال، نهاد آزاد اندیشان جندی‌شاپور، نهاد اتحاد دانشجویان الزهرا، جمعیت

نشست اول لاهه در مورد انقلاب زن زندگی آزادی گفتگو با پریسا پوینده یکی از سازمان دهندگان این نشست



انترناسیونال: پریسا پوینده کمی از نشست اول لاهه که اخیراً در هلند در شهر لاهه برگزار شد و اهداف آن برای خوانندگان انترناسیونال توضیح دهید. چه اهدافی را از این نشست دنبال میکنید؟

پریسا پوینده: در متن انقلاب زن زندگی آزادی، پنی در هشتم آپریل ۲۰۲۳ در شهر لاهه هلند با شرکت نمایندگانی از احزاب، اقلیتهای جنسی و اتنیکی و فعالین سیاسی از ایران و افغانستان با گرایشهای متفاوت برگزار کردیم. پس از گذشت مدت طولانی از اعتراضات و اعتصابات و گذشت هفت ماه از انقلاب جاری، بحثهای متفاوتی پیرامون مفهوم، مضمون و تعریف این انقلاب براف افتاد. همچنین ما شاهد تحرکات زیادی از سوی جامعه و اپوزیسیون با ارائه آلترناتیوها و منشورهای مختلف برای آینده سیاسی ایران بودیم. بر بستر این فضا بود که احساس کردیم جای بحث و گفتگو بین گرایشهای متفاوت و گفتمان در باره مسائل مختلف در شرایط خطیر سیاسی امروز جهت ارتقاء خود آگاهی سیاسی جامعه خالی است. همه تیم برگزار کننده این پنل در هلند زندگی میکنند و طبیعتاً تصمیم گرفتیم در هلند آستینها

را بالا بزنیم تا بتوانیم وظیفه ای که انقلاب جاری بر دشمنان گذاشته است را با برگزاری این پنلها ادا کنیم. هدف از برگزاری این پنلها، فراهم کردن امکان گفتگو بین گروههای اپوزیسیون ایرانی با هدف نظرات متفاوت و متمایز در محیطی سالم و در یک فضای سیاسی جهت یافتن راههای موثر و مفیدتر در راه رسیدن به پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی است.

امروز به موازات انقلاب جاری با اعتراضات و اعتصابات جدید، به میدان آمدن هر چه بیشتر خانواده های دادخواه و همبستگی و اتحاد باشکوهتر آنان و اقشار مختلف جامعه، صدور بیانیه از سوی تشکلات صنفی و کارگری و زندانیان سیاسی، شاهد رادیکال تر شدن مضمون و شکل انقلاب جاری هستیم. تلاش برای روشتر شدن تمایزات گرایشهای سیاسی موجود جهت ارتقاء خود آگاهی سیاسی در جامعه در یک محیط و فضای سالم سیاسی هدف اصلی این پنلهاست. این کمک میکند در عین شفافتر شدن نظرات گرایشهای مختلف زمینه برای اتحاد هر چه بیشتر مردم برای پیروزی انقلاب زن زندگی آزادی فراهم شود.

ما بر این اعتقادیم که روشتر شدن نظرات متفاوت در باره آزادیهای عقیدتی و سیاسی، آزادی بیان، تشکل، اعتصاب و اعتراض، مناسبات سیاسی و اقتصادی جامعه، حقوق زنان، کودکان، رنگین کمانها، اقلیتهای اتنیکی و مذهبی، خداناباوران، حقوق همه اقشار تحت تبعیض و نقش شهروندان در قدرت

سیاسی برای تضمین یک آینده سیاسی سعادت مند برای کل جامعه نقش مهمی دارد.

انترناسیونال: بحثهای اصلی این همایش چه بود؟ نکات اصلی بحثهای پانلیست ها را اگر ممکن است خیلی خلاصه توضیح دهید که روی چه نکاتی تاکید داشته اند؟

پریسا پوینده: قبل از هر چیز مایلیم اینجا بگویم که پنل اول لاهه هلند در نوع خود در مقایسه با نشستها و پنل های تا کنونی حداقل در چندین سال گذشته و پس از سرگیری انقلاب جاری بی نظیر بود. ما تلاش کردیم گرایشهای بسیار متفاوت از احزاب راست تا چپ را در چیدمان این پنل با هدف نشان دادن تمایزات گرایشهای سیاسی موجود جامعه داشته باشیم. باید بگویم در این امر بسیار موفق بودیم. ما توانستیم همانطور که بالاتر گفتم نمایندگانی از احزاب، اقلیتهای جنسی و اتنیکی، فعالین سیاسی از جامعه افغانستان را با گرایشهای متفاوت در این نشست همراه خودمان داشته باشیم.

موضوع این پنل "انقلاب زن زندگی آزادی و آینده سیاسی ایران" بود. به همین معنا تعاریف و تصاویر متفاوت از این انقلاب و بحثهای مطرح شده روز پیرامون آن از بحثهای مهم این نشست بود.

سخنرانان در بخش سخنرانیها به مفهوم و مضمون انقلاب جاری، تعاریف متفاوت شان از این انقلاب، دلایل و تاریخچه شکل گیری آن، جایگاه و اهمیت شعار زن زندگی آزادی در جهانی شدن آن، ضرورت گفتمان شفاهی در فضای سالم سیاسی بین نیروهای اپوزیسیون و

تفاوت گفتمان شفاهی و کتبی و تاثیرات آن در شفاف سازی و نشان دادن راهکارها، تبعیض ملی، جنسی و جنسیتی و در آخر طرح مشورهای مختلف از جمله منشور شش نفره جرج تاون و منشور بیست نهاد و تشکل از ایران از بحثهای مهم و مطرح شده در این نشست بود.

انترناسیونال: در ادامه این تلاش چه کارهایی را در دستور دارید؟

پریسا پوینده: همانطور که گفتم و اعلام کردیم ما سعی داریم با برگزاری سلسله پنلهایی به امر مهم روشن تر شدن تمایزات گرایشهای مختلف جهت انتخاب درست تر جامعه کمک کنیم. دیدن دقیق تر این تمایزات و بحث و گفتگو حول آن و نشان دادن تکرر و تمایزات گرایشهای مختلف موجود در جامعه همانطور که گفتم یکی از وظایف خطیر امروز ما در راه رسیدن به اتحاد و همبستگی مردم بیخاسته در جهت پیروزی انقلاب جاریست. در همین راستا پنل دوم را در ماه مه امسال برگزار خواهیم کرد.

همینجا مایلیم اعلام کنم امر روشن گری امروز از نکات مهم و کلیدی رسیدن به پیروزی انقلاب زن زندگی، آزادی است و این امر بدون همکاری، شرکت و دخالت گرایشهای متفاوت در مباحث مطرح روز، امکان پذیر نیست. به همین دلیل تمام تلاش مان را بکار میگیریم و امیدواریم در برنامه های بعدی مثل پنل اول، بحثهای روشنگرانه ای با حضور گرایشهای متفاوت برگزار کنیم.*

نابود باد حکومت اسلامی!

در مورد انقلاب زن زندگی آزادی سخنان شهلا دانشفر در نشست لاهه



با درود به همه حضار و کسانی که صدای ما را می شنوند یکی از دوستان در پابل از این گفت که آنچه امروز می بینیم انقلاب نیست بلکه یک جنبش است. من در این رابطه صحبتیم را با شعاری که جوانان در کف خیابان میدادند و فریاد زدند شروع میکنم که گفتند "بهنش نگید اعتراض، این دیگه انقلابه". بیش از دوپست روز از این انقلاب، انقلاب زن، زندگی، آزادی میگذرد. انقلابی برآستی شکوهمند که با قتل دختر جوان مهسا امینی فوران کرد. این اولین انقلاب زنانه تاریخ است، که نماد آن مهسا است. این انقلاب بدون مقدمه شروع نشد. قبل از انقلاب را بیاد بیاورید. اعتراضات گسترده کارگری در نفت، نیشکر هفت تپه، فولاد، اعتراضات قدرتمند معلمان، بازنشستگان، فضای اعتراض در کل جامعه همگی شواهدی بر وقوع انقلابی بنیان کن در چشم انداز نزدیک بود. حزب ما انقلاب را دید و به استقبالش رفت و از آن بارها سخن گفتیم. خیلی ها ناباور بودند و جریانات راست در سودای آلترناتیو سازی از بالا. اما انقلاب از همه اینها عبور کرد. و همه جریاناتی که اسمی از انقلاب نمی بردند در برابرش سر تعظیم فرود آوردند. حتی جریانات راست و دولتها. امروز علیرغم جنایات و سرکوبگریهای وحشیانه

حکومت، علیرغم قربانی شدن ۵۰۰ نفر از مردم، و دستگیری چندین هزار نفر در اعتراضات مردمی، علیرغم اعدامها و فشار عظیم بر بازداشت شدگان در زندان، (تجاوز و آزار و شکنجه های وحشتناک) و حتی شلیک کردن به کودکان و حملات شیمیایی به مدارس و غیره، انقلاب در اشکالی جدید و سازمانیافته تر و متعین تر جلوی چشم ما ادامه دارد. با قدرت انقلاب بود که شمار بسیاری از زندانیان را آزاد کردند. زندانیانی که آزاد شدند خیلیها با فریاد زن، زندگی آزادی بر ادامه انقلاب پای فشرده اند. ما فراخوانی متوالی به تجمعات سراسری را شاهد بودیم، سه روز اعتراضی چهارشنبه سوری و بدنبال آن هشت مارس و رقص دختران اکباتان را شاهد بودیم که حقیقتا حماسی است. اکنون نیز معلمان و بازنشستگان دوباره به میدان آمده اند. مراکز کارگری ای چون نفت و هفت تپه و دیگر مراکز کارگری پر تلاطم است و مردم سال ۱۴۰۲ را با فریاد مرگ بر دیکتاتور تحویل گرفتند و در نورو نیز زن و مرد با جمعیت بسیار در شهرهای مختلف بصورت رقص مختلط به خیابان آمدند و مقابل طرح جدید حجاب و عفاف حکومت جسورانه قد علم کردند. این انقلاب حکومت را به زانو در آورده است. در نشست دیمه فرماندهان سپاه با خامنه ای که صورت جلسه های آن افشا شد، عجز و به هم ریختگی حکومت و بی روحی گی و فرسودگی نیروهای سرکوبشان را آشکارا میشد از زبان خودشان شنید. از ریزش ۶۸ درصدی نیروهایشان و این که درصدهای رده های پایین حاضر به شلیک به مردم نیستند سخن گفتند. از ابعاد سازمانیافتگی انقلاب و وجود پانزده هزار جمع در محلات

و پانصد شبکه اطلاع رسانی انقلاب گفتند. از ایستادگی مردم، رده سنی ۱۴ تا ۳۰ ساله که بدون ترس از زندان و سرکوب در کف خیابانند گفتند. سرتیب کریمیان میگوید: "نمیشود با کسی که درد نان دارد مسلحانه مقابله کنیم. و با گلوله ۱۵۰ هزار تومانی تولید داخل و خارج مزدشان را بدهیم". سرهنگ علی زرقانی از اینکه فقر مالی به گونه ای شده که کشور را به شکل مداوم در بحران خواهد بود گفت. انقلاب جاری علیه بی حقوقی زنان، علیه زندان و سرکوب، علیه اعدام و قصاص، علیه فقر و محرومیت، علیه دخالت مذهب در زندگی مردم، علیه چپاول و حقوقهای نجومی، علیه بی حقوقی کودکان، علیه مجازاتهای اسلامی، میخواهد کلیت جمهوری اسلامی را جارو کند و مردم علیه کل این نظام و هر چیزی که نمادی از حاکمیت است متحدند. انقلابی همه جانبه و فراگیر که رنسانسی فکری و ضد مذهبی است. از جمله در همان آغاز انقلاب و با حمایت مردمی حجابها برداشته و به آتش کشیده شد. جوانان عمامه پرانی کردند و با "ناهیان المنکر" درگیر شدند تا جمعشان کنند. در این انقلاب وصیت مجید رضا رهنورد جوان، در هنگام اعدامش این بود که بر مزار من قرآن نخوانید، رقص و شادی کنید. در مراسمهای گرامیداشت جانبازان از قرآن و عزای خبری نبوده و فریاد مرگ بر دیکتاتور، زن، زندگی آزادی بلند است. انقلابی ضد استبداد، استعمار، بردگی و حکومت مافوق مردم. شعار انقلاب زن، زندگی، آزادی شعار گویای چنین انقلابی است در سه کلمه که ارتباطی ریشه ای با هم دارند. با این شعار انقلاب به روشنی از خواستهای اساسی و آزادیخواهانه اش میگوید. شعاری با خصلت عمیقاً انسانی، آزادیخواهانه

و جهانشمول که احترام و حمایت بی نظیر جهانی را همراه داشته است. با این شعار مردم نفس زندگی و حق داشتن حرمت، کرامت و معیشت انسانی را که شعار کف خیابانها بود را طلب میکنند. با این شعار مردم آزادی بدون قید و شرط و وسیع را میخواهند و آزادی جامعه را به موقعیت و مقام زن مرتبط میکنند. و در ایران که آپارتاید جنسی، حجاب و تعرض سیستماتیک به حقوق زن چماق بالای سر کل جامعه بوده این شعار بسیار گویاست. منشور خواستهای حداقلی بیست شکل و منشور مطالبات پیشرو زنان درآستانه هشت مارس معنای عمیق شعار زن، زندگی، آزادی را شفافیت داد. این انقلابی است فرگیر و اجتماعی که در آن جوان و پیر، زن و مرد و از کارگر و معلم و بازنشسته و کادر درمان تا خانواده های دادخواه، از ورزشکار و هنرمند از جمله خواننده و بازیگر سینما همه و همه فعالانه حضور داشته و شعار زن زندگی آزادی حلقه اتحاد همه این بخشها بهم است. جریانات راست فراگیری انقلاب را که همه مردم متحدانه علیه حکومت سرکوب ایستاده اند تا شرش را کم کنند، تحولی "ملی مهنی" میخوانند. و یا با الصاق کلماتی مثل مهن، دموکراسی به شعار زن زندگی آزادی و پر رنگ کردن مفاهیمی چون مهن و خاک و غیره میکوشند مضمون عمیق و انسانی انقلاب با شعار زن، زندگی، آزادی را کمرنگ کنند. همین اهداف را در منشور ۶ نفره راست و طرفداران سلطنت میبینیم. منشوری که بطور واقعی منشور گذار از جمهوری اسلامی با حداقل تغییرات ممکن در نظام موجود و با جلب حمایت دولتهای غربی است.

در مورد انقلاب زن زندگی
آزادی
سخنان شهلا دانشفر در
نشست لاهه
ادامه از صفحه ۸

منشوری در تقابل با انقلاب زن، زندگی، آزادی که هدفش اساسا جلب نظر دولتهاست و سخنی با مردم ندارد. منشوری علیه خواستههای برحق مردم، تفرقه افکنانه که ربطی به انقلاب و به اتحاد مردم ندارد. در این منشور از ادغام بخش هایی از نیروهای سرکوب در ارتش و حفظ آن برای حفظ تمامیت سرزمین سخن است و چماق سرکوبی بر سر کرد و بلوچ و آذری و هر کسی که از ستم ملی سخنی بگوید. بعد هم زیر فشار انقلاب آنهم بدون زدن حرف مشخصی از خواستههای مردم همه را به کنوانسیونهای بین المللی حواله میدهد که ضمانت اجرایی هم ندارد. بدنیست اینجا اشاره ای هم به صحبت های آقای گلریز در پانل داشته باشم. ایشان از این صحبت کردند که انتشار منشورها بیشتر به تشنت ها دامن میزند. راه حل، گفتمان و جلساتی از نوع همین نشست است. من میخواهیم بگویم ما از گفتمان استقبال میکنیم و در میثاقی که حمید تقوایی خطاب به احزاب و نیروهای سیاسی اخیرا داد حرف ما این بود که باید فضای متمدنانه و سیاسی جاری باشد تا جریانات سیاسی مختلف بتوانند به راحتی حرفهایشان را بزنند. نقد کنند و از راه حل ها بگویند تا مردم بتوانند راحتتر انتخاب کنند. اما موافق نیستم که منشور ها باعث تفرقه افکنی میشود. بلکه بستگی به این دارد که محتوای این منشور ها چه باشد. یک منشور هست مثل "منشورخواستهای حداقلی" بیست تشکل که بر خواستههای اولیه ولی بنیادین کل جامعه دست میگذارد و پرچم اتحاد صفوف مردم است و اتفاقا باعث ایجاد همگرایی و اتحاد در صف مبارزات مردمی شده و میشود. از

طرفی دیگر منشور ۶ نفره جریانات راست و طرفدار سلطنت است که حتی خود صفوف راست بر سر آن اتحاد ندارند و متفرق هستند و منشور تفرقه و شکاف در میان مردم با چماق تمامیت ارضی است. صحبتی هم از میرحسین موسوی شد. او نخست وزیر سال ۶۷ زمان اعدام های وسیع زندانیان سیاسی بود. در سال ۸۸ آمد پیامش به مردم بازگشت به دوران "امام راحل" و قانون اساسی بود. الان زیر فشار انقلاب به تجدید قانون اساسی رسیده است. بله این مثبت است ولی بخشی از همان ریزش نیروی حکومت است. او رهبر کسی نیست. بلکه عقبه مردم است که به اینجا رسیده است.

در عین حال ما شاهد این بودیم که با شتاب انقلاب جریانات راست تحت عنوان اینکه انقلاب رهبری ندارد، به تحرکاتشان برای شکل دادن به ائتلافهایی از بالای سر مردم و رهبر تراشی شدت دادند. کمپین "وکالت سیاسی" به رضا پهلوی راه افتاد. اما در کف خیابان مردم با شعار وکالت بی وکالت جواب دادند و این کمپین چهار روز هم دوام نیاورد. با نمایشهای وحدتشان بیشتر تشنشان را نمایش دادند. و هر چه تحرکاتشان بیشتر شد، شعارهای نه شاه میخوایم، نه رهبر مرگ بر ستمگر، "سلطنت ولایت، صد سال جنایت" در کف خیابان و در شعارهای شبانه بیشتر بالا گرفت.

از سوی دیگر فراخوانهای متوالی اعتراضی سراسری توسط ۵۲ تشکل از دانشجویان و نهادهای اجتماعی دیگر نیز که پاسخ مثبت جامعه را همراه داشت و فراخونهای اعتراضی بخشهای مختلف جامعه ابعاد سازمانیافتگی انقلاب و معنای واقعی رهبری را نشان داد. و شک نیست که با کمی تغییر توازن قوا ما شاهد قد علم کردن رهبران برجسته ای پشت چنین تشکلهای و نهادهایی در جلوی صحنه سیاسی جامعه خواهیم بود و کل پرونده رهبر تراشی جمع میشود. بعلاوه منشورخواستهای حداقلی بیست تشکل وجه مکمل

این سازمانیافتگی است. منشوری که اعتراضات مردمی را اعتراضاتی "علیه هر شکلی از استبداد مذهبی و غیر مذهبی در بیش از یک قرن گذشته" خواند. بر پایان دادن به یکصد سال عقب ماندگی و به حاشیه رانده شدن آرمان بر پایی جامعه ای مدرن و مرفه و آزاد تاکید کرد و با اعلام خواستههای حداقلی به عنوان فرامین و خواستههایی بنیادین بر پایان دادن به شکل گیری هرگونه قدرت از بالا بعنوان سر آغاز انقلابی اجتماعی و مدرن و انسانی برای رهایی مردم از همه اشکال ستم و تبعیض و استعمار و استبداد و دیکتاتوری، تاکید نمود. منشوری که پایه های استوار اجتماعی دارد و پلاتفرم اتحاد مبارزاتی همه مردم است. بدین ترتیب سازمانیافتگی انقلاب با پرچم منشورهای مطالباتی بیست تشکل و خواستههای پیشرو زنان، پیشروی های مهمی در انقلاب هستند که چشم انداز روشنی مقابل آن میگذارند.

این چنین است که انقلاب جاری کل بنیادهای ایدئولوژیک سیاسی، طبقاتی حاکم را به چالش کشیده و انقلابی رادیکال، چپ و انسانی است و نقش و تاثیر جریانات پیشرو و حزبی مثل حزب کمونیست کارگری بر تعیین یابی اهداف و جهت گیریهای اجتماعی این انقلاب بارز و روشن است.

پاسخ به سوالات پرسا پوینده از افراد پانل میپرسد: تصویر شما از سرنگونی چیست؟ شهلا دانشفر: مطلوبترین شکل سرنگونی و محتمل ترین آن انقلاب است. کودتا در درون خود حکومت که اشاره شد احتمالش خیلی کم است. ارتش و تمام نیروی سرکوب حکومت بی روحیه و در هم ریخته هستند و خودشان از فرار شصت و هشت درصد نیروهایشان و ناتوانی نیروی سرکوبشان در اجلاسی که فرماندهای سپاه داشتند صحبت کردند. در هر حال مهم است که جامعه تصویر روشنی از سرنگونی داشته باشد تا جلوی بازگشت هر نوع دیکتاتوری را بتواند بگیرد.

سرنگونی از نظر ما یعنی اینکه نظام جمهوری اسلامی با تمام جناحها، نهادها، قوانین ارتجاعی اسلامی مثل قانون مجازاتهای اسلامی و قانون کار و غیره و کل دم و دستگاه سرکوبش در هم شکسته شود. فورا از همه مقامات حکومتی از بالا تا پایین خلع ید شود. دولت و مجلس و قوه قضاییه و کلیه دستگاه عریض و طویل بوروکراسی حاکم منحل شوند. سران حکومت و کلیه مقامات این حکومت که دست در جنایت و سرکوب و کشتار مردم داشته اند محاکمه شوند. تمامی نیروهای سرکوب حکومت و وزارت اطلاعات و همه نهادهای امنیتی منحل شوند. آنهایی که از ایران فرار کرده اند در دادگاههای بین المللی محاکمه شوند. بعلاوه برای اینکه دیکتاتوری برنگردد و فضای متمدنانه و انسانی برای شکل گیری حکومت بعدی فراهم شود. اعدام باید فورا ممنوع شود. زندانیان سیاسی باید بدون قید و شرط آزاد شوند و وسیعترین آزادیها به عنوان اولین قوانین جامعه اعلام شوند. دوستی به مجلس موسسان اشاره کرد از نظر ما قانون گزار همان شوراهای سراسری مردمی برآمده از انقلاب هستند. همین نهادهای محلی که خود رژیم از پانزده هزار آن صحبت میکند زمینه های شکل گیری چنین شوراهایی هستند و از هم اکنون باید این نهادهای محلی در ابعاد وسیع و سراسری شکل بگیرند. باید همه مردم در شوراهایشان متشکل بشوند و دخالت آگاهانه مردم در حکومت تضمین شود. باید بر اساس میثاقی که ضروریست بین جریانات و احزاب سیاسی به آن متعهد میشوند و حمید تقوایی میثاقی در همین راستا ارائه داد. از جمله آزادی بی قید و شرط بیان و اندیشه، آزادی رسانه ها، و آزادی استفاده از مدیای اجتماعی به رسمیت شناخته شود و همه جریانات به آن متعهد شوند. وسیعترین آزادیها برقرار شود. جدایی کامل مذهب از دولت و کلیه ارکان جامعه اعلام شود. فورا از مقامات

در مورد انقلاب زن زندگی آزادی
سخنان شهلا دانشفر در نشست لاهه
ادامه از صفحه ۹

حکومت و وابستگانشان حسابرسی مالی شود و پولهای به سرقت رفته به جامعه برگردد. سیستم بردگی مزدی ملغی اعلام شود و تامین رفاه مردم و یک زندگی انسانی معیار باشد نه سود سرمایه. طبعاً تضمین عملی همه اینها حاکمیت شوراهای مردمی است که بندی از منشور خواستههای حداقلی بیست تشکل تاکید بر همین مساله است. دوستانی اینجا از گذار صحبت کردند. واقعیت اینست که برخی از نیروهای راست دوره گذار از جمهوری اسلامی را مطرح میکنند و آنرا آلتزناتیوی برای انقلاب می بینند. برای ما دور گذار دوره شکل گیری قدرت مردم و دخالت مستقیم آنها در اداره جامعه است. گفته میشود بعد از سرنگونی خلا قدرت به معنای خلاء حاکمیت تعریف شده است. ولی قدرت مردمی که انقلابی را آفریده

اند وجود دارد و اولین گام اینست که قدرت مردم از طریق شوراهایشان شکل تثبیت شده و حکومتی بخود بگیرد. یک شرکت کننده: شما از انقلاب صحبت کردید در حالیکه در این جنبش فقط دو درصد مردم شرکت داشتند. آیا انقلاب تداوم دارد؟ خوبست توضیحی بدهید؟ شهلا دانشفر: همانطور که اشاره کردم انقلاب تداوم دارد و هر روز در اشکال نوینی راه خود را به جلو باز میکند و من به پیروزی این انقلاب بسیار خوشبینم. شما از شرکت دو درصد مردم در انقلاب صحبت کردید. اگر حرف شما را قبول کنیم که فقط دو درصد در انقلاب شرکت داشتند. ولی این دو درصد کاری کردند که به گفته فرماندهای سپاه باعث فرار ۶۸ درصد نیروهای سرکوب شده اند. این دو درصد حمایت همه مردم و همراهی افکار عمومی جهان را با خود همراه کردند. دولتها و مقامات دولتی را وادار به واکنش کردند. کاری کردند که حکومت اسلامی از کمسیون مقام زن سازمان ملل اخراج شد. کاری کردند که رژیم مجبور شد شمار بسیاری از زندانیان

را آزاد کند. و خیلی پیشروی های دیگر که فرصت نیست اشاره کنم. اما روشن است تاکید ما برتجمعات بزرگ، بر اعتصابات سراسری و بر گسترش سازماندهی انقلاب است. همین آغاز سال ۱۴۰۲ رقص جمعیت قابل توجه مردم در وسط شهرها علیه آپارتاید جنسی حکومت طلایه های این حرکت است. همین اولتیماتوم های اعتراضی کارگران و به میدان آمدن قدرتمند بازنشستگان نشانه های فراهم شدن بیشتر بستر اعتصابات سراسری است و بعلاوه اگر فرماندهان از وجود پانزده هزار جمع در محلات میگویند ما میگوییم باید این جمع های در تمام شهرها و محلات شکل گیرند تا پایه های شوراهای سراسری مردم از همین الان شکل گیرند و انقلاب با سازمان مستحکم تری جلو برود. یک شرکت کننده دیگر: شهلا دانشفر روی شوراها و حکومت شورایی تاکید کرد. آیا این شوراها معتقد و ملتزم به انتخابات هستند؟ شهلا دانشفر: سیستم شورایی اساسش بر رای مردم و اعمال اراده مستقیم مردم گذاشته شده است. پایه شوراها مجامع عمومی مردمی است. مجامع عمومی ای که در

مورد همه امورات زندگی و اداره جامعه بحث میکنند و تصمیم گیری میکنند و نمایندگان منتخب این مجامع موظف به اجرای تصمیمات و مصوبات مجمع عمومی هستند. اگر نماینده ای از این عدول کند مجمع عمومی مردمی که همان شورا است میتواند بلافاصله آن فرد را عزل و کس دیگری جای وی انتخاب کند. و نمایندگان موظف به گزارش دهی در مورد اقداماتشان هستند. میتوان نشان داد که این آزادترین و مردمی ترین سیستم شناخته شده است. سیستم شورایی مثل پارلمانتاریسم نیست که هر چهار سال یکبار نمایندگانی انتخاب میشوند و مردم میروند پی کارشان و پارلمان تشکیل شده در این فاصله بدون دخالت مردم و از بالای سر مردم همه امورات جامعه را در چنگ خود میگیرد و به پیش میبرد. قانون وضع میکند و هر بلایی خواست سر جامعه می آورد. بنابراین دموکراتیک ترین، آزاد ترین شکل حاکمیت سیستم شورایی است که به تصمیم گیری از بالای سر مردم برای همیشه پایان میدهد.*

“معضل” بی حجابی و گاوگیجه رژیم

قانون قرار گیرند.

با افزایش روزمره بی حجابی در خیابانها و اماکن عمومی سران رژیم نیز به تکاپو افتاده اند و هر کدام از سر استیصال و درماندگی نسخه ای برای “حل” این مسئله می پیچند که یکی از دیگری بی خاصیت تر و مضحک تر است. برای مثال طرح احمقانه جناب رادان در استفاده از دوربین های سطح شهر برای شناسایی و مجازات زنان بی حجاب، حتی صدای بخشی از نمایندگان مجلس را هم درآورده. طرح ایشان چنان نوبر است که کسانی با سطح شعور نمایندگان مجلس هم غیرعملی بودن و بی مصرف بودن آن را دریافته اند.

بخشی از حاکمیت راه حل را در اجرای بی تخفیف حدود اسلامی یعنی شکنجه و اعدام می دانند و از بخش دیگر پاسخ می گیرند که نباید بنزین بر آتش ریخت و



میلاذ رابعی

نشریه معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران در یادداشتی درباره حجاب اجباری به مقام های جمهوری اسلامی هشدار داد: “اقتبانه است که همگام با معاندان به طور دائم در تنور این ماجرا بدیم و سعی کنیم خواسته و ناخواسته جامعه را به سمتی ببریم که در نهایت مردم در مقابل یکدیگر یا در مقابل حاکمیت و

ایستادن مردم در برابر حاکمیت است. نویسنده ما خیلی روشن می گوید هر نوع برخوردی وضع را خراب تر می کند و مردم را بیشتر در مقابل نظام قرار می دهد. اما ایشان غافل است که سوای هر عکس العمل رژیم، مردم تمام قد رویاروی نظام ایستاده اند و تا سرنگونی کامل آن پا پس نمی کشند. یکی از مشخصه های اصلی حکومت های در آستانه سرنگونی همین است که به معنای واقعی کلمه، بی چاره می شوند. اتخاذ هر تاکتیکی در مقابله با مردم نهایتاً به ضررشان تمام می شود. نه سرکوب، نه “مدارا” هیچ کدام برایشان سودی ندارد، تنها باید گورشان را گم کنند. این سرنوشته محتوم حکومت اسلامی است.

مندرج در نشریه ژورنال

باید “سنجیده” عمل کرد. خلاصه زنان و دختران مبارز و انقلابی با تحمیل عملی بی حجابی، خواب آقایان را آشفته تر از همیشه کرده اند. رهبر هم که در این موارد حرفش فصل الخطاب و حرف نهایی است، بیشتر از همه گاوگیجه گرفته و وامانده تر از دیگران است. یادداشت نشریه نمایندگی ولایت فقیه در سپاه نیز بخشی از همین “رهنمودهای” بی حاصل است. نویسنده یادداشت مزبور، سیاست معروف پاک کردن صورت مسئله و سر در برف فرو کردن را توصیه می کند. به هم پالکی های خود می گوید: “خبری نیست بی خود شلوغ اش نکنید، اگر قضیه را جدی بگیریم مردم به جان هم و یا همه به جان حاکمیت می افتند.” صد البته که جناب نویسنده نگران این که مردم با هم درگیر شوند نیست چرا که اختلافی بین مردم وجود ندارد، ترس اصلی ایشان

بحران و آشتی عربستان و جمهوری اسلامی



محمد شکوهی

در هفته های اخیر تلاش های جمهوری اسلامی برای برقراری رابطه با رژیم عربستان با پادر میانی چین و عمان ظاهرا به نتیجه رسید و دو طرف ضمن استقبال از ادامه گفتگوها، در حال بازگشایی سفارتهاشان می باشند. جمهوری اسلامی برقراری رابطه اش با رژیم عربستان را یک "پیروزی" نامید که در مخالفت با آمریکا بدست آمده است. دار و دسته های تروریست حوثی مورد حمایت رژیم هم بهبود رابطه دو طرف را "پیروزی" مقاومت" قلمداد کرده اند. اما بطور واقعی مساله درست برعکس است. برای بدست آوردن تصویری از وضعیت این کشور جنگ زده باید یک دهه به عقب برگشت و در پرتو بهار عربی و تحولات بعد از آن به بررسی اوضاع امروز یمن پرداخت. انقلابات عربی معروف به بهار عربی از سال ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ ادامه داشت منجر به سقوط رژیمهای مبارک، قذافی، بن علی شد، بعد از یک سال به یمن رسید. مردم یمن نیز در این موج انقلابات دست به اعتراضات گسترده علیه رژیم علی عبدالله صالح زدند. در ادامه این اعتراضات علی عبدالله صالح رئیس جمهور یمن ناچار به استعفا شد و منصورهادی معاون وی که گرایش اخوان المسلمین را داشت، با دخالتهای عربستان در یک همه پرسی ای برای دوره "انتقالی" به قدرت رسید. با به قدرت رسیدن هادی، دخالتهای عربستان و جمهوری اسلامی در اوضاع یمن شروع شد.

اعتراضات مردم یمن در کمتر از یک سال، و به دنبال سیاست های ارتجاعی و اسلامی باندهای تروریست مورد حمایت دو رژیم، تبدیل به رویارویی دو قطب ارتجاع، جمهوری اسلامی و عربستان، اسلامی شیعی و سنی شد. سیاستی ضد انسانی که شیرازه مدنی و اجتماعی جامعه یمن را از هم پاشید. یمن تبدیل به میدان رقابت و جنگ دو گرایش تروریستی اسلامی شد. بعد از شکست انقلابات عربی عربستان و جمهوری اسلامی به عنوان دو قطب ارتجاعی رژیم های اسلامی در منطقه دست به رقابتهای جدید، این بار در یمن زدند. یمن تبدیل به منطقه جنگ رقابتی و نیابتی دو نظام ارتجاعی شد. عربستان با چراغ سبز آمریکا و غرب "ائتلاف عربستان" را برای مقابله با حوثی های مورد حمایت ایران شکل داد و بدین ترتیب رژیم عربستان رسماً وارد جنگ با دار و دسته های شیعی حوثی شد.

از سال ۲۰۱۴ به بعد جمهوری اسلامی رسماً "جبهه مقاومت یمن" را با شرکت گروههای تروریست شیعی انصار حزب الله شکل داده و با حمایت های مالی و نظامی، قطب مقابل عربستان را شکل داد. از آگوست سال ۲۰۱۵ جمهوری اسلامی و عربستان به عنوان دو قدرت منطقه ای مشغول جنگ برای تثبیت مواضع خود در یمن شدند. مسلح کردن حوثی ها به موشک های دور برد توسط جمهوری اسلامی و گسترش حملات نظامی شان به مواضع عربستان منجر به این شد حوثی ها صنعا پایتخت این شهر را تصرف کرده و اعلام حکومت بکنند. در جبهه مقابل نیروهای تحت امر هادی و عربستان با حمایت غرب در بخش شمالی یمن برای خودشان حکومت اعلام کردند سازمان ملل حکومت هادی را دولت قانونی یمن دانست. کشورهای عربی نیز با محکوم کردن

حوثی ها، در جبهه عربستان قرار گرفتند. از اواخر سال ۲۰۱۵ رسماً در یمن جنگ داخلی به رهبری عربستان و جمهوری اسلامی و دار و دسته های اسلامی تروریست هوادارشان آغاز شد. سیاست آمریکا و غرب در بحران یمن به بهانه شرکت عربستان در ائتلاف "ضد داعش آمریکا"، باز گذاشتن دست رژیم عربستان در ادامه جنگ و جنایت در یمن برای مقابله با نفوذ ایران شد. جمهوری اسلامی هم با تمام امکانات نظامی و تسلیحاتی به حمایت از تروریستهای شیعی حوثی ها ادامه داد. جمهوری اسلامی و عربستان در طول بیش از یک دهه جنگ و آدمکشی در یمن، مسئول کشتار دهها هزار نفر از مردم یمن و آوارگی و نابسامی میلیونها نفر دیگر هستند. در طول این مدت سازمان ملل چند بار طرح آتش بس در یمن را در دستور گذاشت و خواستار گفتگوی طرف های درگیر برای پایان دادن به جنگ شدند. در مواردی آتش بس موقت اعلام شد ولی خیلی زود جنگ ادامه یافت.

اکنون بعد از گذشت نزدیک به یک دهه از جنگ داخلی در یمن، جمهوری اسلامی و عربستان با پا در میانی چین و عمان در صدد عادی کردن روابطشان بر آمده اند. چندین دور گفتگوها انجام شده و دو رژیم در حال تدارک گسترش روابط دیپلماتیک شان می باشند. چرخش جمهوری اسلامی در بازگشت به روابط دیپلماتیک با رژیم عربستان یک عقب نشینی مهم در سیاستهای منطقه ای رژیم است.

مقامات حکومت در هفته های اخیر بارها ادعا کرده اند که روابط با عربستان یک پیروزی برای حکومت است که با نقش مهم چین و مقابل آمریکا بوده و جبهه "ایرانی چینی و روسی" را مقابل جبهه آمریکا تقویت کرده و باعث افول قدرت آمریکا در خاورمیانه خواهد شد. متقابلاً دار و دسته های تروریست اسلامی مورد

حمایت ایران این چرخش را "دستاورد مقاومت" یمن قلمداد کرده و در تلاشند شکست و عقب نشینی های جمهوری اسلامی و خودشان را توجیه بکنند.

اینکه ادعای "پیروزی" جمهوری اسلامی چقدر واقعی است خوب بحث دیگری است. اما در پس تمام این تحولات برخلاف ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر پیروزی "جریان مقاومت"، یک شکست مفتضحانه و عقب نشینی جمهوری اسلامی قرار دارد. در دهه های اول قدرت گیری جمهوری اسلامی هر سال به بهانه حج و مقابله با سیاستهای عربستان؛ مضحکه "برائت از مشرکین و وهابیت" را براه می انداخت. در سال ۱۳۶۶ عربستان با حمله به این مضحکه حکومت ایران صدها نفر از حجاج ایرانی را در مکه به قتل رساند و شمار زیادی نیز ناپدید شدند. بعد از این جریان روابط دو کشور به شدت تیره شد. در سالهای بعد تبلیغات دو طرف علیه یکدیگر ادامه یافت تا اینکه ۸ سال پیش با حمله به سفارت عربستان در تهران، روابط دو رژیم کاملاً قطع شد. با ظهور جریان تروریستی داعش در عراق و سوریه و تحولات بعد از انقلابات عربی علائمی از نزدیکی های دو طرف دیده شد که در برابر آنچه "بحران های منطقه ای" می نامند، اینها در صدد احیای روابطشان بر آمدند.

در ادامه این تحولات، تلاش ها برای برقراری روابط در دستور دو طرف قرار گرفت. جنگ یمن و دخالت های عربستان و ایران مهمترین مانع بر سر روابط دو طرف بود که در هفته های اخیر بدنال با در میانی عمان حل شد و دو طرف رسماً روابطشان را از سر گرفتند.

واقعیت این است که آمریکا و غرب در طول دو دهه گذشته و در برابر دخالتهای جمهوری اسلامی در منطقه و سازماندهی گروههای

بحران و آشتی عربستان و جمهوری اسلامی ادامه از صفحه ۱۳

نموده است. فشار ائتلاف عربستان، فشارهای آمریکا به جمهوری اسلامی، حکومت را وادار به عقب نشینی بزرگی نه فقط در یمن، بلکه در سوریه، عراق نیز کرده است. در کنار این موضوعات، وضعیت داخلی رژیم و برآمد انقلاب زن زندگی آزادی در شش ماه گذشته رژیم را با چالش های بزرگی روبرو کرده است. انقلابی که به زیر کشیدن جمهوری اسلامی را در دستورش دارد. موقعیت لرزان و بی افق حکومت در داخل، مهمترین فاکتور در این عقب نشینی در سیاستهای منطقه ایش برای سر و سامان دادن به صفوف رژیم در داخل ایران می باشد. جمهوری اسلامی امیدوار است با این سیاستهای جدید، حلقه

تروریستی برای ضربه زدن به منافع غرب، یک جنگ پنهان و آشکار را علیه جمهوری اسلامی به پیش می برند. حملات آمریکا و اسرائیل به گروههای تروریستی مورد حمایت ایران در عراق، یمن، سوریه، لبنان، بحرین، قطر و امارات در کنار اعمال تحریمهای ویرانگر علیه جمهوری اسلامی، حکومت را وادار به عقب نشینی کرده و مجبور به آمدن به پای "عادی سازی" روابطش با عربستان

محاصره و انزوای منطقه ای و جهانی اش را کنار بزند و به خیال خود به عنوان قدرت پیروز و برتر منطقه بیرون بیاید. در این میان رژیم ارتجاعی عربستان نیز به وضعیت لرزان و ناامید کننده جمهوری اسلامی واقف است و در تلاش است از این وضعیت بیشترین استفاده سیاسی را ببرد. رژیم های جمهوری اسلامی و عربستان به همراه دار و دسته های تروریست اسلامی مورد حمایتشان، عوامل اصلی جنگ و جنایات و کشتار دهها هزار نفر و آواره شدن میلیونها نفر از مردم یمن هستند. تمامی این جنایات و آدمکشان باید به عنوان جنایت بر علیه بشریت دستگیر و محاکمه گردند.

بدون شک بهبود روابط با عربستان، تلاش های بلوک چین و روسیه برای نجات رژیم، و از همه مهمتر عقب نشینی جمهوری اسلامی از سیاستهای منطقه ای اش در حمایت از تروریسم اسلامی و.. نیز نخواهد توانست در بهبود وضعیت درماندگی حکومت کمک جدی ای باشد. سرنگونی جمهوری اسلامی در دستور انقلاب مردم قرار دارد و این تنها و تنها راه پایان دادن به تروریسم اسلامی و دخالتها و جنایت های جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه، و نوید آغاز دوران جدید برای رهایی از شر مذهب و ارتجاع اسلامی و تروریسم است. پایان دادن به تروریسم اسلامی کار انقلاب مردم است. *

اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران در هفته اخیر

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۷۸

تجمع اعتراضی پرستاران در مشهد و کشاورزان اصفهان، ادامه حملات شیمیایی به

مدارس

دور جدیدی از اعتراضات پرستاران و کادر درمان آغاز شده است. روز ۱۹ فروردین پرستاران و پرسنل اورژانس ۱۱۵ مشهد در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و عدم رسیدگی به مشکلاتشان مجدداً مقابل استانداری خراسان رضوی دست به تجمع زدند. معترضین شعار میدادند: "تعرفه ما کجاست / توی جیبای کیاست؟"، "تعرفه ای عادلانه حق ماست!"، "تنهاترین رسته ایم از وعده ها خسته ایم"، "با کرونا جنگیدیم حمایتی ندیدیم". قبلا در روز ۱۶ فروردین پرستاران و کمک پرستاران بیمارستان رضای مشهد در همین رابطه و در اعتراض به واریز نا عادلانه تعرفه خدمات پرستاری تجمع داشتند. در روز ۱۵ فروردین نیز پرستاران در بیمارستان روحانی بابل و در اراک در برابر دانشگاه

علوم پزشکی تجمع کرده بودند. امروز نوزدهم فروردین کشاورزان اصفهان با خواست حلقه و اعتراض به خطر خشکی کشت خود بار دیگر مقابل شرکت آب منطقه ای اصفهان تجمع کردند. اعتراض علیه فقر و بی تامينی، معضلات زیست محیطی و تبعات معیشتی آن و اختلاسها و وخیم تر شدن هر روزه وضع معیشتی و سطح نازل حقوقها یک اعتراض اجتماعی است. دور جدید اعتراضات پرستاران، معلمان و بازنشستگان از شروع سال ۱۴۰۲، گسترش فضای اعتراض در میان کارگران نفت و اولتیماتوم اعتراضی کارگران رسمی نفت برای بیستم فروردین طلایه های دوره جدیدی از اعتراضات در سطح وسیع اجتماعی است که فضا را برای اعتصابات سراسری فراهم تر میکند. در تداوم انقلاب به تدارک اعتصابات و تجمعات سراسری برویم.

در ادامه حملات شیمیایی جنایتکارانه حکومت به مدارس و بنا بر خبر های منتشر شده تا کنونی دانش آموزان دخترانه معراج در اردبیل، مدرسه ای

دخترانه ای فدک در نقده، مدرسه ای دخترانه ای هاجر در هفتکل خوزستان، مدرسه ای دخترانه ای خیام در پردیس و دبستان سعدی ارومیه از جمله مدارس هستند که امروز هدف حمله شیمیایی قرار گرفتند و برخی از دانش آموزان این مدارس مسموم شده اند. تنها راه توقف این جنایت شنیع و ضد انسانی اعتصاب سراسری معلمان و برگزاری تجمعات اعتراضی بزرگی در تمام شهرهاست. حکومت کودک کش و ضد انسانی را باید زیر فشار اعتراضات به زانو در آورد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۹ فروردین ۱۴۰۲، ۸ آپریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۷۹

اعتراضات بازنشستگان، اعتراض اپراتورهای برق، و یک خبر دیگر

راهپیمایی مردم در سقز علیه حملات شیمیایی به مدارس

امروز بیستم فروردین بخش های مختلف بازنشستگان در اعتراض به گرانی و تورم و وضع بد معیشتی و مصوبه مزدی ضد انسانی، در

شهرهای مختلفی چون شوش، اهواز، قزوین، شوشتر، کرمانشاه، و تهران تجمع و اعتراض کردند. در اهواز بازنشستگان معترض با سر دادن شعارهای اعتراضی و راهپیمایی در سطح شهر، توجه و حمایت مردم را به خود جلب کرده بودند. در شوش تعدادی از کارگران نیشکر هفت تپه نیز در اعتراض به مصوبه شورایعالی کار همراه با بازنشستگان تجمع داشتند و جمعیت به بیش از ۳۰۰ نفر میرسید. بنا بر گزارشات در تهران و کرج نیروهای سرکوب مانع تجمع بازنشستگان تامین اجتماعی شدند.

در این روز همچنین بازنشستگان مخابرات در تهران، یزد، کرمانشاه، قم، اصفهان، سنج، تبریز، اراک، مریوان، اهواز، همدان، خرم آباد، مشهد و بانه بار دیگر تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. اعتراض به تبعیض و عدم پرداخت مطالبات یک موضوع اعتراض بازنشستگان مخابرات است. همچنین امروز بازنشستگان فولاد در اصفهان در خیابان نشاط و همچنین در تهران تجمع کرده بودند. خواسته های فوری اعلام شده بازنشستگان

مخابرات عبارتند از: پرداخت کامل معوقات سال ۱۴۰۰، حفظ ماهیت فولادی با تغییر مفاد پیش نویس اساسنامه صندوق، تکمیل همسان سازی بر مبنای ویژگیهای شاغل فولادی، رفع مغایرتهای قانونی در صندوق فولاد، قبل از تعیین هر چشم اندازی برای صندوق فولاد، و بازگشت جایگاه واقعی صندوق فولاد در برنامه هفتم توسعه. امروز بازنشستگان زغال سنگ البرز مرکزی در قائم شهر نیز تجمع داشتند. بخش های مختلف بازنشستگان دردهای مشترکی دارند. اجرای همسان سازی و افزایش سطح آن به بالای نرخ سبد هزینه که امروز سی میلیون است، درمان و تحصیل رایگان، پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها، و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات از جمله خواستهایی است که بازنشستگان بارها در تجمعاتشان بر آنها تاکید کرده اند. این خواستهها امروز نیز در بنرهایی که بازنشستگان در دست داشتند بازتاب داشت. در اعتراضات امروز بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "گرانی تورم بالای جان مردم"، "نه مجلس نه دولت نیستند به فکر مردم"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، و "مصوبه ساختگی ملغی باید گردد"، "بازنشسته داد بزن، حق تو فریاد بزن"، "دولت ورشکسته، دشمن بازنشسته"، "ریسی بی عرضه، برگرد برو تو حوزه"، "فریاد، فریاد از اینهمه بیداد".

علاوه بر بازنشستگان امروز اپراتورهای برق منطقه ای در اهواز در مقابل استانداری خوزستان در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و اضافه کاری های اجباری تجمع داشتند. آنها در تجمع امروز خود خواستار پرداخت فوری مطالبات خود از جمله پاداش سال ۱۴۰۱، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و لغو اجرای تبصره ماده ۱۲۴ قانون مدیریت خدمات کشوری برای خود شدند. به گفته این کارگران طرح طبقه مشاغل که میتواند اندکی بر مزد ناچیز آنها بیفزاید چهار سال تمام است که به نتیجه نرسیده و معلق مانده است. بر اساس تبصره ماده ۱۲۴ قانون خدمات مدیریت کشوری حقوق

کارگران وزارتخانه نباید بیش از یک دوم حقوق کارمندان باشد و کارگران خواهان لغو این قانون هستند. اصلاح نوبت کاری و شیفت کاری دو خواست فوری دیگر این کارگران است. همچنین در روز ۱۹ فروردین کارگران شرکت پارا پلاستیک واقع در شهرستان جلفا در اعتراض به پرداخت نشدن معوقات مزدی و حق اضافه کاری خود مقابل ساختمان شرکت تجمع داشتند. اعتصابات سراسری یک گام مهم در تقویت اعتراضات مردمی در سطح خیابان و پیشروی انقلاب است.

آخرین خبر مورد حمله شیمیایی فرار گرفتن دانش آموزان مدارس دخترانه سمیه و معراج در سقز و دانش آموزان راهنمایی مدرسه بهمنی و جماران در سنندج توسط حکومتیان است. در اثر این حمله شماری از دانش آموزان به بیمارستان منتقل شدند. در سقز مقابل بیمارستان مردم و خانواده های دانش آموزان با حمله نیروهای سرکوبگر روبرو شدند. مردم خشمگین نیز با مسدود کردن خیابانها مقابل نیروهای سرکوبگر صف آرای کرده و دست به راهپیمایی زدند. آخرین خبرها از تیراندازی نیروهای سرکوبگر به سمت مردم حکایت می کند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۰ فروردین ۱۴۰۲، ۹ آپریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۰

با اعتصاب سراسری در مدارس حمله شیمیایی حکومت به مدارس را متوقف کنیم

از بعد از تعطیلات نوروز حملات شیمیایی حکومتیان به مدارس از سر گرفته شده است. از جمله امروز در ارومیه دانش آموزان مدرسه دخترانه فرزنانگان، در تهران مدرسه بن الهدی، در سنندج مدرسه دخترانه فرزنانگان، در خوی دبیرستان دخترانه نرگس، در کرج مدرسه دخترانه صدر، هدف حملات شیمیایی جنایتکارانه حکومت قرار گرفتند. در نتیجه این حملات تعدادی از دانش آموزان

مسموم و به بیمارستانها انتقال پیدا کردند.

روز گذشته نیز چندین مدرسه در سقز و مدارس دیگری در سنندج و دیگر شهرها مورد این حملات واقع شدند و از روز گذشته تا کنون سقز یکپارچه اعتراض و خشم است. روز یکشنبه مردم خشمگین دست به تجمع زدند و با شعار مرگ بر خامنه ای پرچم جمهوری اسلامی را از بالای مدرسه معراج پایین کشیدند و آتش زدند. شب گذشته نیز فراخوانی از سوی مردم به اعتصاب عمومی داده شد که در آن چنین آمده است: «در اعتراض به مسموم کردن و حملات شیمیایی برنامه ریزی شده از طرف حکومت به مدارس شهرمان سقز ما بازاریان و معلمان و تمامی اهالی شهر اعلام میکنیم دانش آموزانمان خط قرمزمان می باشند و با اعلام اعتصاب عمومی شهرستان سقز در روز دوشنبه ۲۱ فروردین انزجار و اعتراض خود را بار دیگر به حاکمیت اعلام میکنیم». این چنین است که سقز یکپارچه به پا خاسته و متعاقب این فراخوان امروز مدارس و بازار شهر کاملاً تعطیل بودند. این اعتصاب تا توقف حملات حکومت به مدارس باید ادامه یابد و عاملین و آمرین این جنایت باید به مردم معرفی و محاکمه شوند. مدارس باید برای دانش آموزان امن باشد. هرگونه تعرضی علیه دانش آموزان باید متوقف شود.

حملات شیمیایی به مدارس سراسری است و باید پاسخ سراسری بگیرد. باید قاطعانه از اعتراض مردم شهر سقز و اعتصاب عمومی در این شهر حمایت کرد.

تجمع اعتراضی مردم سقز و اعتصاب یکپارچه امروز الگویی برای اعتراض در سراسر کشور است. مدارس اکنون به میدان حملات شیمیایی به فرزندان ما تبدیل شده است. در این شرایط برای حفظ جان و سلامت دانش آموزان و برای متوقف کردن فوری این جنایت باید مدارس را به تعطیلی کشاند. در این شرایط بویژه اعتصاب معلمان نقشی کلیدی دارد. معلمان و دانش آموزان اعتصابی و خانواده هایشان باید با تجمعات اعتراضی در

مقابل مدارس علیه مسمومیت سازی در مدارس به میدان بیایند و به این جنایت حکومتی پاسخ کوبنده ای بدهند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ فروردین ۱۴۰۲، ۱۰ آپریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۱

تجمع اعتراضی پرستاران در قزوین، کارگران اخراجی شرکت لوله سازی ماهشهر و بازنشستگان فرهنگی نجف آباد

دور جدیدی از اعتراضات پرستاران آغاز شده است. روز ۲۱ فروردین شماری از پرستاران در شهر قزوین در اعتراض به سطح نازل حقوقها، فشار سنگین کاری و عدم پاسخگویی به مطالباتشان مقابل استانداری شهر تجمع کردند. در روز ۱۹ فروردین نیز پرستاران و پرسنل اورژانس ۱۱۵ مشهد برای بار دوم مقابل استانداری خراسان رضوی دست به تجمع زدند. قبلاً نیز در روز ۱۶ فروردین پرستاران و کمک پرستاران بیمارستان رضای مشهد در همین رابطه و در اعتراض به واریز ناعادلانه تعرفه خدمات پرستاری تجمع داشتند. همچنین در روز ۱۵ فروردین پرستاران در بیمارستان روحانی بابل و در اراک در برابر دانشگاه علوم پزشکی تجمع کرده بودند. پرستاران و کادر درمان یک نیروی فعال در طول انقلاب زن، زندگی، آزادی بوده اند. از خواستهها و اعتراضاتشان باید وسیعاً پشتیبانی شود.

روز یکشنبه ۲۰ فروردین، کارگران اخراجی شرکت لوله سازی ماهشهر مقابل فرمانداری این شهر دست به اعتراض زدند. بنا بر خبر ۱۲۴ کارگر این شرکت در پنجم فروردین از کار اخراج شده اند. در این شرکت پیش از این نیز مدیریت بارها دست به اخراج کارکنان و کارگران زده است.

روز ۱۷ فروردین بازنشستگان فرهنگی در اعتراض به عدم اجرای همسان سازی و سطح نازل حقوقها و برای پیگیری دیگر مطالباتشان مقابل اداره آموزش و پرورش شهرستان نجف آباد تجمع کردند. در این روز

تا وقتی این حملات حتی در یک تک مدرسه انجام میشود، مدارس را تعطیل میکنیم. باید آمرین و عاملین این جنایت به مردم معرفی و محاکمه شوند. از معلمان انتظار میرود که این بار نیز پیشتاز اعتراضی سراسر در حلقه همبستگی و حمایت مردمی علیه حملات جنایتکارانه حکومتیان به مدارس باشد. همچنین خانواده‌ها باید جلوی مدارس و بیمارستانهایی که فرزندانشان در آنجا بستر هستند را به محل تجمع و اعتراض خود تبدیل کنند. برای نجات دختران دانش آموز باید تمام جامعه به پا خیزد و به جهانیان فشار بیاوریم که این حکومت ضد انسانی را بایکوت کنند و به عنوان یک واکنش فوری از کنوانسیون جهانی حقوق کودک بیرون انداخته شود.

- بنا به یک گزارش دیگر امروز کارگران پروژه ای پیمانکاری کیوانی در پتروشیمی سلمان فارسی سربندر در اعتراض به مخالفت پیمانکار با افزایش دستمزدها دست به اعتصاب زدند. این کارگران در این روز به نشانه اعتراض محل کارگاه را ترک کرده و اعلام کردند که مطالبه خود را متحدانه پیگیری خواهند کرد.

- آخرین خبر مربوط به اقدام شجاعانه سپیده قلیان این چهره شناخته شده سیاسی و دانشجویی زندانی است. او در روز سه‌شنبه ۲۲ فروردین در واکنش به سخنان سخنگوی قوه قضائیه مبنی بر اینکه بازداشت سپیده بدلیل "اهانت" بوده و

پرونده وی به دادگاه تهران ارسال شده از درون زندان نوشت: "تا حکومت اعدام اسلامی بر سر کار است و کاشفان فروتن چشمه و معترضین به استبداد، گروگان حکومت اسلامی هستند" در هیچ دادگاهی شرکت نخواهد کرد. او نوشت که به "تجاوز" تهدید شده و گفته بود که هیچ مشروعیتی برای "دادگاه فرمایشی و نمایشی" جمهوری اسلامی که ریاست آن "حکم اعدام انقلابیون را امضا کرده" قائل نیست. این چنین است که مردم در ایران کل دستگاه قضاییه و مجازات‌های اسلامی و اعدام و سرکوب این حکومت را به چالش

گذشته توسط نیروهای اداره اطلاعات رپوده شده و به مکان نامعلومی منتقل شدند. با اعتراضی سراسری برای جلوی آدم ربایی‌ها و سرکوبگری‌های حکومت را گرفت. جلوی زندانها و بازداشتگاههای حکومت باید تجمع کرد و برای آزادی بازداشت شدگان انقلاب و تمامی زندانیان سیاسی فشار آورد. جنبش برای آزادی بازداشت شدگان و تمامی زندانیان سیاسی یک جنبش قدرتمند است. با فشارانقلاب دیوارهای زندانها شکاف برداشت و توانستیم حکومت را ناچار به آزاد کردن شمار زیادی از زندانیان در بند را نماییم. باید فشار آورد و سد محکمی در برابر دستگیری‌ها و سرکوبگریهایی حکومت شد و همه بازداشت شدگان و زندانیان در بند را آزاد کرد.

آخرین خبر مربوط به حمله نیروهای سرکوب حکومت به تجمع و رقص و شادی مردم و جوانان در سی و سه پل اصفهان است. رقص مختلط زنان و مردان در خیابانها که در نوروز نیز در شهرهای بسیاری شاهدش بودیم یک شکل زیبایی از سرپیچی و اعتراض به بساط آپارتاید جنسی حکومت و زیر پا له کردن دیوارهای تفکیک جنسیتی توسط مردم و عقب زدن مزدوران گشت ارشاد حکومت است. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ فروردین ۱۴۰۲، ۱۱ آوریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۳

حملات شیمیایی امروز به ۱۴ مدرسه، اعتصاب کارگران پتروشیمی سربندر و نامه سپیده قلیان از زندان

بر اساس گزارشات تا کنونی امروز ۲۲ فروردین چهارده مدرسه مورد هدف حملات گازی و شیمیایی قرار گرفته و در جریان آن دهها دانش آموز دختر مسموم شده اند.

ادامه این جنایات همه ما مردم را به اعتراضی گسترده در دفاع از کودکان فرا میخواند. جان فرزندان ما مردم در خطر جدی است. باید اعلام کرد که

دخترکش، "مرگ بر خامنه‌ای"، "قسم به خون یاران ایستاده ایم تا پایان"، "مرگ بر خامنه‌ای، لعنت بر خمینی!" و "مرگ بر دیکتاتور". در شامگاه یکشنبه ۲۰ فروردین نیز مردم در محله شهرک کارمندان مهاباد در محکومیت حملات شیمیایی سریالی علیه دانش‌آموزان، و حمایت از خواسته دانش‌آموزان سقز برای بایکوت مدارس، دست به تظاهرات شبانه زدند و شعار دادند.

یک کانون داغ اعتراض علیه حملات شیمیایی به مدارس، شهر سقز است. در این شهر به دنبال اعتصاب موفق روز گذشته و استقبال یکپارچه معلمان، دانش‌آموزان، و بازاریان از فراخوان اعتصاب، انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه برای امروز سه شنبه ۲۲ فروردین نیز به اعتصاب عمومی و تعطیلی مدارس فراخوان داده اند. همچنین جوانان سندج مردم کردستان را به اعتصاب سراسری فراخوانده اند. حزب کمونیست کارگری از فراخوان انجمن صنفی معلمان سقز و زیویه و جوانان انقلابی در سندج حمایت و پشتیبانی میکند و بر همبستگی مردم در تمامی شهرهای کردستان و حمایت سراسری مردم ایران با این اعتراضات تاکید دارد. انتظار میرود که معلمان در سطح سراسری همچون معلمان در سقز برای نجات جان دانش‌آموزان به میدان بیایند و اعلام اعتصاب سراسری کنند. باید اعلام کرد که تا وقتی آمرین و عاملین حملات شیمیایی به مدارس به مردم معرفی و محاکمه نشوند، مدارس دخترانه و پسرانه همگی تعطیل خواهند بود. با اعتصاب سراسر در همه جا و

تجمعات خانواده‌ها و مردم در مقابل مدارس و اشکال مختلف اعتراضی، سیاست جنایتکارانه حملات شیمیایی به مدارس را باید به شکست کامل کشاند و به ضد حکومت کودک‌کش تبدیل کرد. جمهوری اسلامی این حکومت کودک‌کش و جنایتکار باید گورش را گم کند و برود. بنا به گزارشات امروز محمدقناتی از معلمان اراک و ژینا مدرس گرجی روزنامه نگار و فعال حقوق زن در سندج برای دومین بار در چند ماه

نیروهای امنیتی و انتظامی به تجمع کنندگان حمله و اقدام به پراکنده نمودن آنان نمودند. در این حرکت اعتراضی یکی از بازنشستگان به اسم ایرج توبه ایها دستگیر و به دادگستری شهر منتقل شد و بعد برای وی قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومان تعیین گردید. بعد از بازداشت معلم بازنشسته توبه ایها تعدادی از معلمان بازنشسته در اعتراض به این دستگیری و برای پیگیری و دیدار با رئیس اداره و مسئول حراست به اداره آموزش و پرورش نجف آباد مراجعه کردند. اما نیروهای انتظامی و امنیتی در داخل اداره به آنان یورش برده و حسین اشرفی عضو هیات مدیره کانون نجف آباد و کانون فرهنگیان استان اصفهان دستگیر شد و سپس برای او نیز قرار ۱۰۰ میلیون تومان تعیین گردید. بدنبال این روز پر کشاکش، معلمان بازنشسته بر ادامه اعتراضات خود و پیگیری خواسته‌هایشان تاکید کردند. طبق خبر دیگر امید شاه محمدی دبیر شهرستان دیواندره برای گذراندن یکسال حبس به زندان بیجار منتقل گردید. یک کارزار مهم معلمان، کارزار برای آزادی معلمان زندانی و دانش‌آموزان بازداشتی و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزاتشان است و این خواست آنها در تجمعات اعتراضی شان بوده است. از خواسته‌ها و اعتراضات معلمان باید وسیعا حمایت کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ فروردین ۱۴۰۲، ۱۰ آوریل ۲۰۲۳

خیزش های مردمی: اطلاعیه شماره ۳۸۲

شعاردهی های شبانه علیه حملات شیمیایی به مدارس و اخباری دیگر

شب گذشته ۲۱ فروردین شعاردهی های شبانه در واکنش با حمله وحشیانه شیمیایی حکومت به مدارس گسترده تر شده و در تهران در محلاتی چون شهرک باقری، اکباتان، تهرانپارس و کارگر شمالی شعارهای ضدحکومتی بر فضای خیابانها طنین انداخت. مردم شعار میدادند: "مرگ بر حکومت

میکشد.

سپیده قلیان در تاریخ ۲۴ اسفند، تنها ساعتی پس از آزادی از زندان اوین، در مسیر تهران به دزفول مورد حمله سرکوبگران قرار گرفته و بازداشت شد. او ابتدا به بند ۲۰۹ و شامگاه ۲۸ اسفند به بند زنان زندان اوین منتقل گردید.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ فروردین ۱۴۰۲، ۱۱ آوریل ۲۰۲۳

خیزش‌های مردمی: اطلاعیه شماره
۳۸۴

از فراخوان تشکلهای گروهها و جمعهای دانشجویان برای بی حجابی سراسری و علیه حجاب اجباری در ۲۶ فروردین حمایت میکنیم

شماری از تشکلهای، گروهها و جمع‌های دانشجویی در اعتراض به طرح سرکوبگرانه حجاب رژیم تحت عنوان طرح "تذکر لسانی"، برای روز ۲۶ فروردین فراخوان به بی حجابی سراسری داده‌اند. فراخوان دهندگان

به دور انداختن حجاب در این روز عبارتند از: تشکل دانشجویان پیشرو، نهاد دانشجویان آزادیخواه دانشگاه خوارزمی، نهاد آزادیخواهان دانشگاه تهران شمال، نهاد آزاد اندیشان جندی شاپور، نهاد اتحاد دانشجویان الزهرا، جمعیت دانشجویان آزاد (دانشگاه آزاد سنندج)، اتحاد دانشجویان دانشگاه صنعتی اصفهان، دانشجویان آزاد خوراسگان (دانشگاه آزاد اصفهان) و جمع‌هایی از دانشجویان و فعالین دانشگاه‌های اصفهان، علوم پزشکی اصفهان، تربیت مدرس و بهشتی.

در بخشی از فراخوان برای روز بیحجابی سراسری در ۲۶ فروردین چنین آمده است: "پس از پایان یافتن تعطیلات نوروز و بازگشایی دانشگاه‌ها، جمهوری اسلامی با استفاده از نیروی سرکوب مستقر در دانشگاه‌ها شروع به اجرای طرح موسوم به "تذکر لسانی" برای رعایت حجاب کرده است. جلوگیری از ورود دانشجویان زن به دانشگاه

بخاطر عدم رعایت حجاب اجباری، رفتار وحشیانه و حضور نیروهای سرکوبگر در دانشگاه، تفکیک جنسیتی کردن ورودی دانشگاه‌ها برای دانشجویان زن و مرد، نادیده گرفتن حقوق سایر جنسیت‌ها به طور مطلق و سرانجام حضور سنگین نیروهای سرکوبگر در محیط دانشگاه و اطراف دانشگاه، به منظور زیر سوال بردن یکی از اساسی‌ترین حقوق ما دانشجویان، دیگر قابل تحمل نیست. از این رو، ما تشکل‌ها، جمع‌ها و گروه‌های دانشجویی مستقل از حکومت، از دانشجویان سراسر کشور می‌خواهیم؛ دوشادوش یکدیگر، برابر نیروهای سرکوبگر حکومت از جمله حراست و لباس شخصی‌ها ایستادگی کرده و همچنین با بی حجابی گسترده فردی و جمعی، حجاب اجباری این خاکریز اول حکومت را که در طی انقلاب زن زندگی آزادی فتح کرده ایم حفظ آنرا تثبیت کنیم."

در این فراخوان دانشجویان در سطح

دانشگاه‌ها به سازماندهی تجمعات اعتراضی و برپایی پرפורمنسهای اعتراضی، تحصن و شعارنویسی دعوت شده‌اند.

حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از این فراخوان اعلام کرده و همگان را به شرکت و همبستگی با این روز مهم اعتراضی فرا میخواند. حجاب سنگر فتح شده مردم است. حکومت تلاش دارد تا به هر اندازه که شده این سنگر را باز پس بگیرد. با پاسخ قدرتمند و سراسری به فراخوان روز بیحجابی ۲۶ فروردین و حضور گسترده و سراسری بی حجاب در این روز، و حمایت فعال از زنان بی حجاب، به لغو کامل حجاب اجباری به قدرت انقلاب رسمیت دهیم و ضربه ای کاری بر حکومت آپارتاید جنسی حاکم وارد کنیم. زنده باد انقلاب زن، زندگی، آزادی!

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ فروردین ۱۴۰۲، ۱۲ آوریل ۲۰۲۳

سرنگون باد حکومت اسلامی!

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه‌ها منتشر می‌شود.

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran

اینستگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

وبسایت: www.wpiran.org

یک دنیای بهتر



برنامه حزب کمونیست کارگری

توضیح در مورد تغییر سردبیر انترناسیونال

نسان نودینیان به خاطر انتخاب به دبیری کمیته کردستان سردبیری نشریه انترناسیونال را واگذار کرد. از این شماره میلاد رابعی سردبیر این نشریه خواهد بود. از زحمات بی دریغ نسان نودینیان که به مدت ۱۲ ماه سردبیری انترناسیونال را بعهدہ داشت صمیمانه تشکر میکنم و برای میلاد رابعی آرزوی موفقیت دارم.

حمید تقوائی

۱۲ آوریل ۲۰۲۳

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: میلاد رابعی

ادیتور: کاظم نیکخواه

anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر میشود
<https://www.facebook.com/wpiran>
تلگرام: https://t.me/wpi_hkki
<https://www.wpiran.org/>
<https://www.instagram.com/wpi91>



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

ماهواره یاه ست

فرکانس، ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس، ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون، عمودی

سیمبل ریت، ۲۷۵۰۰

اف ای سی، ۵/۶

KANAL JADID
کانال جدید

پخش زنده آنلاین؛



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های؛

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com